**نام مقاله: معرفت‌شناسي و ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي در علم اطلاع‌رساني**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 23 \_ شماره سوم ، جلد6**

**پديدآور: برگر يورلند**

**مترجم: مهدي خادميان**

**چكيده**

**اين مقاله ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي در علم اطلاع‌رساني و بازيابي اطلاعات را بررسي و تفاوت‌هاي بين ديدگاه‌هاي شناختي سن‍ّتي وديدگاه اجتماعي‌ ـ شناختي يا تحليل حوزه‌اي را به طور فهرست‌وار بيان مي‌كند. اين مقاله مدعي است كه با فرض وجود مهارت‌هاي مقدماتي در بازيابي رايانه‌اي اطلاعات، افراد مي‌توانند به طور مبنايي با بازنمون‌هايي از نوشتارهاي موضوعي در بازيابي اطلاعات تعامل برقرار كنند. نوع دانش موردنياز براي تعامل با بازنمون‌هايي از نوشتارهاي موضوعي نيز بحث مي‌شود. همچنين نشان داده مي‌شود كه چگونه رويكرد‌ها يا انگاره‌هاي مختلف در نوشتارهاي بازنمون‌شده به نيازهاي اطلاعاتي و معيارهاي ربط متفاوتي اشاره مي‌كنند (از جمله اين‌كه كاربران نوعاً نمي‌توانند نيازهايشان را به خوبي بيان كنند و اينكه چرا علم اطلاع‌رساني نمي‌تواند عمدتاً بر مطالعات كاربران اعتماد كند). اين اصول با رويكردهايي در روانشناسي مانند رفتارگرايي، شناخت‌گرايي، روان تحليل‌گري و عصب‌شناسي مقايسه شده و با ذكر نمونه‌هايي تشريح مي‌شود. معيارهاي ربط كه به طور تلويحي در هر موقعيت وجود دارند نيز فهرست‌وار بيان مي‌شوند. براي اثبات ادعاهاي نظري از داده‌هاي واقعي نيز استفاده شده است. همچنين نشان داده مي‌شود كه عمومي‌ترين سطح معيارهاي ربط به نظريه‌هاي معرفت‌شناختي اشاره دارند.**

**مقدمه**

در علم اطلاع‌رساني بيشتر از يك ديدگاه شناختي وجود دارد و اين ديدگاه‌ها در طول زمان تغيير كرده‌اند. سخن گفتن از ديدگاه‌هاي شناختي در علم اطلاع‌رساني از جنبشي بين‌رشته‌اي به‌نام «علوم شناختي»[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") يا حتي «انقلاب شناختي»[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ") سرچشمه گرفته است[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o "). اين جنبش عمدتاً به سال 1956 در روانشناسي برمي‌گردد[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ") و به‌طور نزديكي به توسعة هوش مصنوعي در علم رايانه نيز مربوط مي‌شود. در سال 1975 با انتشار كتب «نورمن» و «راملهارت» يك زمينة بين رشته‌اي به‌وجود آمد. انتشار مجله «علوم شناختي» در سال 1977 شروع شد و «انجمن علوم شناختي» نيز اولين همايش سالانه را در سال 1979 برگزار كرد. اين موارد برخي از مشخصه‌هاي رسمي مربوط به شكل‌گيري «علوم شناختي» به عنوان يك زمينة بين رشته‌اي هستند.

«ديدگاه‌هاي اجتماعي‌ـ شناختي» را مي‌توان جايگزين‌هايي براي «علوم شناختي» يا رويكردها و جنبش‌هاي دروني در علوم شناختي به‌حساب آورد. به‌عبارت ديگر، اين رويكردها به‌وسيلة نوشتارها و سنت‌هايي از بيرون علوم شناختي پشتيباني مي‌شوند، اما به طور روزافزوني در «علوم شناختي» عرضه و بحث مي‌شوند. مثلاً «تيمپكا»[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ") پژوهشگري در زمينة هوش مصنوعي است كه در يك موقعيت شناختي، چشم‌اندازهاي جامعه‌شناختي مختلف را اين چنين بيان مي‌كند: «در طول تاريخ، جامعه‌شناسي توجه اساسي به شناخت داشته است. تحليل «دوركهايم» از نمايندگان جمعي، بحث «ماركس» از ايدئولوژي و هوشياري طبقاتي و روش «Verstehen» از «وِبر»، همه داراي تحليل‌ها و مدل‌هاي شناختي هستند. حتي به طور مرتبط‌تري در شناخت باليني، در نظريه‌هاي «ميد» دربارة شناخت اجتماعي،[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ") «خود» انسان به دو بخش شناخت و عاطفه تقسيم مي‌شود كه شناخت از طريق فرآيند تطبيق‌پذيري با محيط اجتماعي حاصل مي‌شود. نتيجه اينكه، قابليت‌هاي شناختي كامل بدون تعامل در يك جامعه به‌دست نمي‌آيند».[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ")

ارائة تحليل فلسفي و تاريخي جامع از ديدگاه‌هاي شناختي و اجتماعي‌ـ شناختي، از دامنة مباحث اين مقاله خارج است. درنتيجه، تمركز بر ارائة ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي درعلم اطلاع‌رساني خواهد بود. تأثيرات ضمني آن و پشتيباني‌هاي تجربي براي تأمين روايي آن نيز بيان خواهد شد.

**ديدگاه‌هاي شناختي و اجتماعي‌ـ شناختي در علم اطلاع‌رساني**

در سال 1977 «مارك دومي» يك ديدگاه شناختي براي علم اطلاع‌رساني پيشنهاد كرد:

«هرگونه پردازش اطلاعات، خواه ادراكي باشد يا نمادين،[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") از طريق يك نظام از مقوله‌ها يا مفاهيم انجام مي‌گيرد كه، در ارتباط با ابزار پردازش اطلاعات، يك مدل از جهان مربوط به آن ]فرد[ هستند».[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn9" \o ")

من با اين فرمول‌بندي خاص موافق هستم. ممكن است كسي بگويد كه اين فرمول‌بندي با ادعاي مطرح شده در هرمنوتيك، يعني وابستگي ادراك ما به ادراكات پيشين، يكي است. اما تشريح اين فرمول، تفاوت‌هاي عمده بين ديدگاه‌هاي شناختي سن‍ّتي وديدگاه‌هاي مربوط به يك ماهي‍ّت اجتماعي‌ـ شناختي را نمايان خواهد كرد.

براي درك نقل قول بالا، بايد مقوله‌ها و مفاهيم مورد اشاره در علم اطلاع‌رساني و نيز مقوله‌ها و مفاهيم موردنظر در بازيابي اطلاعات را شناسايي كرد. ديدگاه‌هاي شناختي اغلب دربارة ساختارهاي رواني يا مدل‌هاي رواني صحبت مي‌كنند. روح زمانه[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn10" \o ") در علم اطلاع‌رساني تحت‌ تأثير مفهوم هوش مصنوعي و اين ديدگاه قرار گرفته است كه تجارب روانشناختي مربوط به انسان‌ها دانش پايه‌اي را فراهم مي‌آورد كه در رايانه‌ها و نظام‌هاي اطلاعاتي قابل اجرا هستند.

در سال 1999 پرفسور «پيتر اينگوِرسن»[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn11" \o ")كه بحث ديدگاه شناختي در علم اطلاع‌رساني را آغاز نمود و هنوز هم بحث مي‌كند، كتاب «ليندسي» و «نورمن»[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn12" \o ") را به عنوان منبع درسي مقطع كارشناسي ارشد دانشكده سلطنتي كتابداري و اطلاع‌رساني در كپنهاگ برگزيد. من اين واقعيت را گواهي مي‌گيرم بر آنچه كه ديدگاه شناختي «اينگوِرسن» در آن زمان بر آن دلالت مي‌كرده است. فكرمي‌كنم ديدگاه وي، يعني اين عقيده كه تجارب روانشناختي در پردازش اطلاعات انساني، بنيان نظري صحيحي را براي علم اطلاع‌رساني فراهم مي‌كند، از اين پس به عنوان جريان مهمي در روح زمانة اين رشته نمايان شد. اين ديدگاه، مانند ديگر ديدگاه‌هاي شناختي، برمبناي دو فرضية زيربنايي قرار دارد كه عبارت‌اند از:

1.     فردگرايي روش‌شناختي،[[13]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn13" \o ") ديدگاهي كه تمركز آن بر مطالعة عملكردهاي شناختي اشخاص و عمدتاً به شكل تجارب روانشناختي قرار دارد؛[[14]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn14" \o ")

2.   ارتباط بين مدل‌هاي رواني و ساختارهاي عصبي و ذاتي در انسان‌ها (عقل‌گرايي).[[15]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn15" \o ") اين فرضيه وقتي ضرورت پيدا مي‌كندكه فرد بخواهد هوش مصنوعي را بر پاية سازوكارهاي روانشناختي قرار دهد. در اين فرضيه، ارتباط نزديكي بين علوم شناختي و علوم عصبي وجود دارد.

اين فرضيات دركتاب «ليندسي» و «نورمن» (1977) به طور آشكار بحث نشده‌اند، اما مي‌توان آن‌ها را به آساني از نوع تجارب ارائه‌شده و پوشش موارد عصبي استنباط نمود. ارتباط آن با عقل‌گرايي را نيز مي‌توان از طريق آثار يكي از مؤثرترين پژوهشگران دورة اولية علوم شناختي يعني «نوام چامسكي» زبانشناس درك كرد. وي آشكارا به سنت عقل‌گرايي «رنه دكارت» به‌عنوان يك شخصيت پيشاهنگ اشاره مي‌كند. با اين حال، بيشتر پژوهش‌هاي الهام‌گرفته از رويكردهاي شناختي، مبناي عصب‌شناختي را براي فرآيندهاي شناختي مدنظر نداشته‌اند. غالباً مسئلة عمده در پژوهش‌هاي شناختي، نوع چشم‌اندازهايي است كه به دليل «فرضيات تلويحي عقل‌گرايانه»[[16]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn16" \o ") حذف شده‌اند.

در همان زمان، من توسعة يك جايگزين را براي فردگرايي و عقل‌گرايي در ديدگاه‌هاي شناختي (براي شناخت‌گرايي بطور كلي و ديدگاه شناختي توسعه‌يافته توسط «اينگورسن») به‌گونه‌اي نظام‌مند‌تر آغاز كردم. اولين كارهاي اصلي من در اين‌باره به زبان دانماركي انجام شد.[[17]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn17" \o ") من از نام‌هاي مختلفي، بويژه «رويكرد جامعه‌شناختي‌ـ معرفت‌شناختي» و رويكرد «تحليلي‌ـ حوزه‌اي»[[18]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn18" \o ") استفاده كرده‌ام.[[19]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn19" \o ")

نكتة مهم در رويكرد موردنظر من اين ادعا است كه ابزارها، مفاهيم، معاني، ساختارهاي اطلاعاتي، نيازهاي اطلاعاتي و معيارهاي ربط در جوامع سخنوري[[20]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn20" \o ")، مثلاً در رشته‌هاي علمي شكل مي‌گيرند. يك جامعة سخنوري، جامعه‌اي است كه در آن يك فرآيند ارتباطي نظم‌يافته و همبسته[[21]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn21" \o ") انجام مي‌شود. اين ارتباط بوسيلة يك ساختار مفهومي، محصورسازي سازماني[[22]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn22" \o ") و تسلط سخنگاه‌هاي گفتاري[[23]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn23" \o ")، ساختارمند مي‌شود.[[24]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn24" \o ") اين ديدگاه تمركز علم اطلاع‌رساني بر اشخاص (يا رايانه‌ها) را به تمركز بر اجتماع، فرهنگ و جهان علمي تغيير مي‌دهد. يكي از تأثيرات ضمني مهم آن اين است كه ساختارهاي شناختي مناسب، عمدتاً از يك ماهيت تاريخي برخوردارند تا روانشناختي. در هنگام تدوين اين ديدگاه دريافتم كه پشتيباني از «رويكرد فرهنگي‌ـ تاريخي» يا «نظرية فعاليت» و «ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي» در علم روانشناسي توسط افرادي مانند «ديويي»[[25]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn25" \o ")، «ويگوتسكي»[[26]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn26" \o ") و «لئونيتف»[[27]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn27" \o ") انجام شده است. معرفي روزآمد «نظرية فعاليت» توسط «كارپاتشف»[[28]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn28" \o ") بيان شده است. در علم اطلاع‌رساني، «جاكوب» و «شاو»[[29]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn29" \o ") مرور مفيدي از بيشتر پژوهش‌هاي داراي برچسب ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي انجام داده‌اند.

كار من از بسياري جهات به رويكرد توسعه‌يافته توسط «رافائل كاپارو»[[30]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn30" \o ")، و «وينوگراد» و «فلورز»[[31]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn31" \o ") مربوط مي‌شود و بر جنبه‌هاي هرمنوتيكي علم اطلاع‌رساني و ماهيت اجتماعي دانش تأكيد مي‌كند. همچنين به ديدگاه‌هايي با رويكرد «ساخت‌گرايي اجتماعي »[[32]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn32" \o ") كه توسط افرادي مثل «فرومن»،[[33]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn33" \o ") «تومينن»[[34]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn34" \o ") و ديگران مطرح شده، مربوط مي‌شود. بحث اصلي «تومينن» عليه «فردگرايي روش‌شناختي» اين است كه فرض سنجش‌پذيري مدل‌هاي رواني يك فرد خاص از طريق گفتار[[35]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn35" \o ")، اشتباه است.

در علوم شناختي به‌طوركلي، رويكردهاي مشابهي پيشنهاد شده و توسعه‌ يافته‌اند. بر طبق نظر «گاردنفورس» (1999) تغيير متناسب، تغيير جهت عمل‌گرايانه[[36]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn36" \o ") از زبان‌شناسي است. در علم شناختي ابتدايي، نقش فرهنگ و جامعه در شناخت ناديده انگاشته شده بود. از نظر«چامسكي» و پيروان او، اشخاص مانند ماشين‌هاي تورينگ[[37]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn37" \o ") هستند كه ساختارهاي نحوي را براساس يك نظام تقريباً ذاتي از قواعد دستوري پردازش مي‌كنند. بدون درنظرگرفتن مسائل مربوط به استفادة زبان در ارتباط، وابستگي سؤالاتي كه دربارة معناي لغات مي‌شود، به يك نظريه شناختي، در زبانشناسي به درستي مشاهده نمي‌شود. عرف عملگرايانة جديد، رويكرد شناختي كلاسيك را زيرورو كرده است. در اين عرف، اعمال و فعاليت‌هاي انسان به‌عنوان اساسي‌ترين موجوديت‌ها درنظر گرفته شده‌اند؛ كاربردشناسي[[38]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn38" \o ") متشكل شده است از قواعدي براي اَعمال زبانشناختي؛ معناشناسي[[39]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn39" \o ") عبارت است از كاربردشناسي متعارف‌شده.[[40]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn40" \o ") درنهايت اين‌كه نحو[[41]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn41" \o ")، وقتي كه سياق عبارت براي رفع ابهام كافي نباشد، براي كمك به رفع ابهام در معاني، نشانه‌هاي دستوري را اضافه مي‌كند.

از اين‌رو، ديدگاه‌هاي اجتماعي‌ـ شناختي از بسياري جهات ديدگاه شناختي را زيرورو مي‌كنند. آن‌ها نيز به شناخت فردي اهميت مي‌دهند، ام‍ّا به بررسي آن نه از طريق فقط مغز يا ذهن، بلكه از طريق شرايط اجتماعي مي‌پردازند. در اين ديدگاه‌ها نه از درون به بيرون، بلكه از بيرون به درون فعاليت مي‌شود. من اين توسعه را با توصيف بيان‌شده توسط «بوگدان»[[42]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn42" \o ") موافق يافتم، فردي‌ كه اقدام به پشتيباني و الهام‌بخشي دو نوآوري روش‌شناختي جديد در علوم شناختي كرده و آن‌ها را تحسين نموده است. يكي از آن‌ها، «تحليل بالا به پايين كلاسيك» است كه يك زنجيرة تبييني را از كار اطلاع‌رساني به برنامه‌هاي شناختي اجرايي و سپس سازوكارهاي اجراكنندة برنامه‌ها توصيه مي‌كند. نوآوري ديگر كه جديدتر نيز هست، يك تحليل تكاملي است كه شناخت را به شيوه‌اي بررسي مي‌كند كه زيست‌شناسان هر اندام را بررسي مي‌كنند، يعني به عنوان يك «انطباق»[[43]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn43" \o ").

تفسير واكنش‌هاي «اينگورسن» و افراد ديگري كه خود را طرفدار «ديدگاه شناختي» در علم اطلاع‌رساني مي‌دانند، نسبت به پيشنهادهاي مطرح شده توسط ديدگاه «تحليلي‌ـ حوزه‌اي» يا «اجتماعي‌ـ شناختي» تا حد زيادي مشكل است. واقعيت اين است كه وي در سخنراني افتتاحيه خود در 14 ماه مه 2001 در مراسم انتصاب اساتيد «دانشكده سلطنتي علوم كتابداري و اطلاع‌رساني» در كپنهاگ، از عبارت «اجتماعي‌ـ شناختي» در حين بيان نظرات خود استفاده كرده و در جاي ديگر[[44]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn44" \o ") اشاره داشته است كه زمينة پژوهشي مورد علاقة او، ديدگاه «تحليل حوزه‌اي» است.[[45]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn45" \o ") ديدگاه شناختي وي، ارتباط خود را با روانشناسي شناختي كه در آغاز دهة 1990 مدعي آن بود، حفظ نكرده است. با وجود اين‌كه مفهوم «Polyrepresentation» «اينگورسن» از خاستگاه متفاوتي برخوردار است، ام‍ّا با ايده‌هاي ارائه‌شده توسط «يورلند»[[46]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn46" \o ") كه برمبناي نظرات «ورثن»[[47]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn47" \o ") و «پائو»[[48]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn48" \o ") قرار دارد، مربوط مي‌شود. تصور اجتماعي‌ـ شناختي از ربط توسط «يورلند»[[49]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn49" \o ") توسعه يافت كه براي اولين بار توسط «اروم»[[50]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn50" \o ") مورد استفاده قرار گرفت و اكنون در سخنراني افتتاحية «اينگورسن» در 14 ماه مه 2001 نقل مي‌شود.

همة اين واقعي‍ّت‌ها نشان مي‌دهد كه ديدگاه شناختي (حداقل آن‌گونه كه توسط «اينگورسن» نشان داده شده) به ديدگاه تحليلي‌ـ حوزه‌اي نزديك شده است. اگر اين امر صحيح باشد، پس اختلافات اساسي نيز نبايد وجود داشته باشد و امروز ما همگي بايد شناختگراهاي اجتماعي[[51]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn51" \o ") باشيم. آيا در عمل اين وضع وجود دارد، موردي است كه در قسمت بعدي بيشتر به آن پرداخته خواهد شد.

**دو نوع تحليل حوزه‌اي**

««ليكي نيلسن»[[52]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn52" \o ") در مقاله‌اي كه در انجمن علوم اطلاع‌رساني امريكا[[53]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn53" \o ") ارائه داد، از تحليل حوزه‌اي به عنوان شيوه‌اي براي ساخت اصطلاحنامه بحث كرد. اين مقاله تفاوت بين تبيين من از تحليل حوزه‌اي و شيوه‌اي كه اين اصطلاح اخيراً در ارتباط با ديدگاه شناختي مطرح شده است را آشكار مي‌كند. با اين‌كه اين پژوهش را بسيار مهم و شايسته يافتم، اما فكر مي‌كنم كه تحليل حوزه‌اي در مفهومي متفاوت از آنچه مدنظر من است، به كار گرفته شده.

«نيلسن» در مقاله‌اي كه در قالب «پاورپوينت» ارائه كرده[[54]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn54" \o ") مفهوم تحليل حوزه‌اي را به «اينگورسن» نسبت داده، ام‍ّا در مقاله‌اي كه به صورت «پي‌دي‌اف» منتشر نموده[[55]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn55" \o ") اسامي چند فرد ديگر را ذكر كرده و نوشته:

«يورلند» (1997) دربارة مفهوم «تحليل حوزه‌اي» از اين جهت كه بايد مبناي توسعه و بهبود نظام ]اطلاعاتي[ قرار گيرد بحث مي‌كند. همچون «سورگل»[[56]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn56" \o ") او نيز عمدتاً بر نوعي دانش تأكيد مي‌كند كه براي نظام اطلاعاتي و كاربران آن بايد به دست آورد، اما فقط اطلاعات اندكي دربارة روش‌هاي پژوهشي قابل استفاده براي گردآوري دانش موردنياز، ارائه كرده است.

اول اين‌كه من اعتبار «اينگورسن» را از نظر تاريخي صحيح نيافته‌ام. من براي اولين بار در مقاله‌ام[[57]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn57" \o ") از «تحليل حوزه‌اي» در زبان انگليسي استفاده كردم و سپس در مقالة «يورلند» و «آلبركتسن»[[58]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn58" \o ") آن را ادامه دادم. تا آنجا كه من مي‌دانم، «سورگل» (و ديگر افراد ذكرشده درمقالة «نيلسن») از اين اصطلاح و مفاهيم زيربنايي آن استفاده نكرده‌اند. اصطلاح «تحليل حوزه‌اي» را براي اولين بار «نيبرز»[[59]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn59" \o ") در علم رايانه به كار برده است. در بين افرادي كه «ليكي نيلسن»[[60]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn60" \o ") به آن‌ها استناد كرده، فكر مي‌كنم اولين شخصي هستم كه اين اصطلاح و نظرية زيربنايي و روش‌شناسي آن را به كار برده‌ام.

دوم اين‌كه، عبارت «يورلند ... فقط اطلاعات اندكي دربارة روش‌هاي پژوهشي قابل استفاده براي گردآوري دانش مورد نياز ارائه كرده» يك عبارت نسبتاً منفي و به نظر من اشتباه است. انديشة كامل براي توسعة يك ديدگاه، البته بهبود پژوهشي در آن زمينه است و چنانچه به اين هدف كمكي نكند، يقيناً شكست خورده است. من مدعي هستم كه به تبيين و توسعة روش‌شناسي سازماندهي دانش (شامل اصطلاحنامه و رده‌بندي) كمك كرده‌ام. من چهار روش مبنايي را كشف كرده‌ام كه عبارت‌اند از: الف) روش‌هاي عقل‌گرايي[[61]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn61" \o ") (مانند روش رانگاناتان و تحليلي‌ـ چهريزه‌اي)؛ ب) روش‌هاي تجربي[[62]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn62" \o ") (مانند روش‌هاي كتابسنجي و تحليل هم ـ استنادي)[[63]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn63" \o ")؛ ج) روش‌هاي تاريخي[[64]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn64" \o ")؛ د) روش‌هاي عمل‌گرايانه[[65]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn65" \o ")، كه بر اهداف و ارزش‌ها متمركز است و مثلاً به رويكردهاي فمينيستي و انتقادي به سازماندهي دانش مربوط مي‌شود.

همة اين چهار نوع روش، نقاط قوت و ضعف مربوط به آن‌ها در پژوهش من مورد تأكيد بوده است. اين روش‌ها با يكديگر مقايسه شده و بطور مفصل در يك بررسي موردي روانشناسي، مورد بحث قرار گرفته‌اند.[[66]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn66" \o ")

روش‌شناسي توصيف شده توسط «ليكي نيلسن»[[67]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn67" \o ") براي ساخت اصطلاحنامه عبارت است از تركيبي از مصاحبه‌هاي گروهي و آزمون‌هاي تداعي لغت[[68]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn68" \o ") براي گردآوري داده‌ها و تحليل محتوا و تحليل گفتار براي تحليل‌كردن داده‌ها. «حوزه‌» يا «جامعة گفتاري»، يك شركت داروسازي خاص در دانمارك است. با توجه به هدف و شرايط موردنظر در اين پژوهش، من هيچ ايراد جدي به روش‌هاي به‌كارگرفته‌شده ندارم؛ برعكس، اين ابتكار را به عنوان يك مورد مناسب و خلاقانه تحسين مي‌كنم. ما به اين‌گونه پژوهش‌هاي اطلاعاتي كه زمينه‌هاي بيگانه[[69] را پوشش مي‌دهند و ابزارهايي را براي گردآوري مناسب‌ترين اطلاعات آن‌ها ايجاد مي‌كنند، خيلي نياز داريم. با اين‌حال، من نمي‌دانم كه آيا اصطلاح «تحليل حوزه‌اي» به درستي انتخاب شده و آيا مطابق با مفهوم موردنظر من يا ديگران هست يا نه.](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn69" \o ") را پوشش مي‌دهند و ابزارهايي را براي گردآوري مناسب‌ترين اطلاعات آن‌ها ايجاد مي‌كنند، خيلي نياز داريم. با اين‌حال، من نمي‌دانم كه آيا اصطلاح «تحليل حوزه‌اي» به درستي انتخاب شده و آيا مطابق با مفهوم موردنظر من يا ديگران هست يا نه.

روش‌هاي گردآوري داده‌ها كه توسط «ليكي نيلسن»[[70]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn70" \o ") توصيف شده‌اند، در حوزة هوش مصنوعي با عنوان فنون يا روش‌هاي فراخواني دانش[[71]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn71" \o ") شناخته مي‌شوند. چنانچه قصد داريد يك نظام خبره بسازيد، بايد دانش خبره را از كسي يا جايي به دست بياوريد. راه‌حل آشكار براي اين منظور، فراخواني دانش موردنياز از كسي است كه در آن كار يا مسئله خبره است. مثلاً «كوك»[[72]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn72" \o ") دامنة متنوعي از اين‌گونه فنون فراخواني دانش، از جمله مباحث گروهي و ارتباطات آزاد را بيان مي‌كند. اين‌گونه روش‌ها عمدتاً روش‌هايي با ماهيت روانشناختي درنظر گرفته مي‌شوند، در صورتي‌كه روش‌هاي تحليلي ـ حوزه‌اي كه من از آن‌ها سخن گفته‌ام عمدتاً داراي يك ماهيت جامعه‌شناختي و معرفت‌شناختي هستند.

سؤال مهم اين است كه چگونه مي‌توان دانش حوزه‌اي متخصصان موضوعي را ارزيابي كرد. در مديريت كتابخانه‌هاي پژوهشي و پايگاه‌هاي اطلاعاتي رشته‌هاي علمي، استخدام متخصصان موضوعي براي نمايه‌سازي و رده‌بندي مدارك و همچنين ساخت و نگهداشت نظام‌هاي سازماندهي دانش، يك شيوة متداول است. با اين‌حال، استخدام متخصص موضوعي يا يك فرد خبره، مسائل روش شناختي سازماندهي دانش را حل نمي‌كند، بلكه فقط سؤال مطرح‌شده را يك قدم به عقب برمي‌گرداند و آن اينكه: متخصص موضوعي، اين دانش را چگونه به‌دست مي‌آورد؟ شيوه‌هايي كه متخصصان موضوعي به‌منظور ساخت ـ مثلاً ـ يك اصطلاحنامه بايد به كار گيرند كدام‌اند؟ شيوه‌هايي كه متخصص اطلاع‌رساني براي ساخت يك اصطلاحنامه در زمينة علمي خود، يعني علم اطلاع‌رساني، استفاده مي‌كند كدام‌اند؟ علم اطلاع‌رساني بايد راهنمايي‌هاي روش‌شناختي براي ساخت اين‌گونه نظام‌ها را ارائه كند و فقط دانش حوزه‌اي را في‌نفسه كافي نداند. افراد خبره به چه ميزان با اين عمل موافق هستند؟ حوزه‌ها از اين جهت تا چه اندازه با يكديگر متفاوت‌اند؟ آيا انواع نظام‌مندتري از اختلافات دربارة مثلاً ديدگاه‌هاي نظري، انگاره‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي وجود دارند؟ نتايج اين ابردانش[[73]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn73" \o ") در طراحي نظام‌ها چيست؟ پيشرفت‌هاي اخير در هوش مصنوعي بر اهمي‍ّت مسائل زير تأكيد مي‌ورزند:

نظام‌هاي خبره هرگز به هوشمندي خبرگان انساني نمي‌رسند و تقريباً هرگز فرصتي را براي يك حكم قطعي[[74]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn74" \o ") در موقعيت‌هاي واقعي فراهم نمي‌كنند. مسئلة زيربنايي اين است كه چنين نظام‌هايي، دانش جامعي را در خود جاي داده‌اند، اما به سختي دانشي دربارة روايي آن‌ها ارائه مي‌كنند. بدون چنين ابردانشي، يك نظام توانايي قضاوت معتبر را ندارد و نمي‌توان آن را مبناي يك تصميم‌گيري صحيح قرار داد. درنتيجه، نظام‌هاي خبره به درجات پاييني تنزل كرده‌اند و امروزه «نظام‌هاي پشتيباني تصميم»[[75]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn75" \o ") ناميده مي‌شوند.[[76]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn76" \o ")

به نظر مي‌رسد روش‌هاي فراخواني دانش كه «ليكي نيلسن»[[77]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn77" \o ") از آن‌ها استفاده كرده براي طراحي اصطلاحنامه براي يك شركت خاص بسيار مناسب‌اند، اما به نظر من براي تحليل يك حوزه چندان مناسب نيستند. اين روش‌ها بيشتر به فردگرايي روش‌شناختي از ديدگاه شناختي سنتي مربوط مي‌شوند. يك تحليل حوزه‌اي بايد در وهلة اول نه‌فقط يك شركت، بلكه يك زمينة علمي را در مدنظر داشته باشد كه مفاهيم مشترك، اصطلاحات و دانش آن در حال توسعه و اشتراك است. در اين‌گونه زمينه‌ها ممكن است سطوح مختلفي از كلي‌گرايي وجود داشته باشند، مثلاً از علوم طبيعي گرفته تا داروشناسي، داروشناسي عصبي و انواع مختلف خاص‌گرايي در داروشناسي عصبي (خاص‌گرايي موضوعي و خاص‌گرايي ]به‌طوركلي[ به شكل‌هاي گوناگون پژوهش‌هاي كاربردي و بنيادي، مثلاً داروشناسي عصبي باليني مربوط مي‌شود).

گام بعدي در تحليل حوزه، بررسي ماهيت و ساختار دانش و ارتباط آن با سطح خاص‌گرايي موردنظر مي‌باشد.

بااين‌حال، رويكرد استفاده‌شده توسط «ليكي نيلسن»[[78]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn78" \o ") و «ديدگاه شناختي» را مي‌توان يك تكميل‌كننده براي ديگر رويكردهاي تحليل حوزه‌اي دانست. من در يك مقالة دردست انتشار[[79]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn79" \o ") نقاط قوت و ضعف نسبي 11 رويكرد در تحليل يك حوزه را بحث كرده‌ام، كه عبارت‌اند از: 1. توليد راهنماهاي نوشتاري[[80]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn80" \o ")، 2. توليد رده‌بندي‌هاي خاص، 3.پژوهش دربارة ويژگي‌هاي نمايه‌سازي و چكيده‌نويسي، 4. مطالعة تجربي استفاده كننده، 5. مطالعات كتابسنجي، 6. مطالعات تاريخي، 7. مطالعات سندي و نوع ادبياتي[[81]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn81" \o ")، 8 .مطالعات معرفت شناختي و انتقادي، 9. مطالعات اصطلاح‌شناسي، زبان تخصصي و مطالعات گفتاري، 10. مطالعة ساختارها و انجمن‌ها در ارتباطات علمي، 11. تحليل حوزه‌اي در شناخت حرفه‌اي و هوش مصنوعي. آخرين رويكرد، رويكردي است كه توسط «نيلسن»[[82]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn82" \o ") به كار گرفته شد. اين 11 رويكرد از وضعيت مشابهي برخوردار نيستند. برخي رويكردها (مثلاً مطالعات معرفت‌شناختي) براي تفسير نتايج رويكردهاي ديگر ضروري هستند.

برخي از جنبه‌هاي مهم مربوط به «ديدگاه تحليلي حوزه‌اي» در بازيابي اطلاعات، و تحليل حوزه‌هاي موضوعي در ادامة اين مقاله شرح داده مي‌شوند. با اين حال، بسياري از جنبه‌هاي مهم را نمي‌توان در اين مقاله ارائه كرد و بايد منتظر آثار بعدي بود.

**بازيابي اطلاعات**

در بازيابي اطلاعات، افراد با سطوح مختلفي در تعامل هستند، مثلاً:

ـ با يك رايانة شخصي و سيستم عامل مربوط به آن؛

ـ با يك سيستم رايانه‌اي از راه‌دور (مانند «ديالوگ»[[83]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn83" \o ")) و موتورجستجو و سازماندهي فايل مربوط به آن؛

ـ با بازنمون‌هايي از مدارك (مانند پيشينه‌هاي كتابشناختي)؛

ـ با بازنمون‌هايي از ادبيات موضوعي[[84]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn84" \o ") در يك يا چند حوزه (كه كم‌و‌بيش با يكديگر به‌هم‌پيوسته و متجانس‌اند).

براي اقدام به بازيابي اطلاعات، كاربران بايد دانش مناسبي از همة اين سطوح داشته باشند. (در اصطلاح ديدگاه شناختي، كاربران بايد مدل رواني مناسبي از همة اين سطوح داشته باشند). بسيار مهم است كه بتوان اين سطوح را به‌طور تحليلي از يكديگر جدا نمود. در دوره‌‌هاي مقدماتي بازيابي اطلاعات بر ارائة مدل‌هاي رواني خوبي براي سطح رايانه (فايل‌هاي مقلوب، منطق بولي، نمايه‌سازي واژه‌اي و عبارتي و غيره) تأكيد مي‌شود. با اين حال، آنچه در ارتباط با سؤال‌هاي مربوط به نمايه‌سازي و بازيابي مهم‌تر مي‌نمايد، مدل‌هاي رواني ادبيات موضوعي است.

به فرض داشتن مهارت‌هاي مقدماتي بازيابي رايانه‌اي اطلاعات، كاربران ضرورتاً مي‌توانند با بازنمون‌هايي از ادبيات موضوعي در يك يا چند حوزه در تعامل باشند. به نظر من، اين يك مهارت مقدماتي است كه تا اندازه‌اي، واقعيت را ناديده انگاشته است.

مسائل مربوط به بازيابي اطلاعات از نظر ماهوي با يكديگر تفاوت اساسي دارند. مثلاً يك فرد خاص چگونه مي‌تواند همة مدارك مرتبط با تصادف قطاري خاص را در پايگاه‌هاي اطلاعاتي كتابشناختي و متن كامل در جهان شناسايي كند؟ اين جستجوگر برخي از پايگاه‌هاي اطلاعاتي و برخي واژه‌هاي آشكار را شناسايي مي‌كند و اگر خوش‌اقبال باشد برخي از مدارك مرتبط را بازيابي خواهد كرد. با اين‌حال، آنچه براي جستجوگر خيلي آشكار نيست اين است كه بسياري از مدارك مرتبط ديگر، ممكن است واژه‌هاي «قطار»، «تصادف» يا مترادفات آشكار اين واژه‌ها را در خود نداشته باشند. مدارك مرتبط ممكن است وقايع منجر به تصادف را تشريح كنند كه از نظر اصطلاح‌شناختي به مدارك مربوط به خود تصادف پيوند نخورده‌اند. از اين‌رو، موضوع بازيابي اطلاعات فقط موضوع قدرت بيان خلاق[[85]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn85" \o ") زبان طبيعي نيست، بلكه مسئله دانش واقعي[[86]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn86" \o ") آنچه جستجو مي‌شود (مثلاً تصادف) نيز هست. در فرآيند بازيابي اطلاعات، جستجوگران بايد دربارة موجوديتي كه به جستجوي اطلاعات دربارة آن مي‌پردازند آگاهي كسب كنند و سپس به منظور توسعة معيارهاي جستجو (جستجوي مكرر)[[87]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn87" \o ") اين دانش موضوعي را به‌كار بگيرند. مثلاً يك تصادف ممكن است به‌دليل نقص در يك علامت رانندگي خاص اتفاق بيفتد؛ بنابراين نام سازندة علامت رانندگي نيز مي‌تواند يك واژة جستجوي مرتبط باشد. هيچ نظرية زبانشناختي چنين دانشي را فراهم نمي‌كند. از اين رو، جستجوگران با پيش‌بيني سه سطح تعامل با مسائل روبرو مي‌شوند، كه عبارت‌اند از:

1.     واقعيت امر ـ مثلاً دلايل تصادف قطار چيست؟ اين يك دانش اساسي، و در يك سطح اساسي‌تر و كلي‌تر، يك دانش هستي‌شناختي است؛

2.   اين كه مسئله به چه شيوه‌اي ـ مثلاً به‌صورت مطالعات مهندسي دربارة تصادف قطار يا گزارش‌هاي روزنامه‌اي دربارة تصادف قطارـ شناخته و توصيف شده تا بتواند بازيابي شود و قابل اعتماد باشد. اين‌ها مواردي هستند كه به نظرية دانش، مطالعات علم و نظرية منابع اطلاعاتي مربوط مي‌شوند؛

3.   اين كه دانش ثبت‌شده‌ـ مثلاً اصطلاح‌شناسي مهندسي، زبان حقوقي،[[88]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn88" \o ") زبان معمولي، دانش مربوط به انشاء مدرك[[89]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn89" \o ") و ارتباط گفتاري‌ـ چگونه توصيف مي‌شود. اين سطح بطور ويژه دانش اصطلاح‌شناسي، زبانشناسي، و كتابداري و اطلاع‌رساني را دربرمي‌گيرد.

اين‌گونه دانش‌ها مشابه دانش موضوعي كه معمولاً در دانشگاه‌ها تدريس مي‌شوند نيستند؛ با اين حال افراد داراي دانش موضوعي، معمولاً دانشي تلويحي دربارة مسائل روش‌شناختي، الگوهاي انتشاراتي و اصطلاح‌شناسي دارند؛ ام‍ّا عموماً در اين‌گونه مسائل خبره نيستند. از اين‌رو، نظريه‌هاي جستجو و بازيابي اطلاعات بايد دانش آشكار بيشتري دربارة اين‌گونه سؤالات فراهم كند. از اين جهت متخصصان اطلاع‌رساني براي مطالعة الگوهاي كتابسنجي، مسائل اصطلاح‌شناختي (مثلاً اصطلاحنامه‌اي) و ... نسبت به متخصصان موضوعي عادي از مزيت‌هايي برخوردار هستند.

تا به‌حال، اين‌گونه مسائل در علم اطلاع‌رساني از جهت نظري بطور جدي مطرح نشده‌اند، بلكه عمدتاً به‌وسيلة رويكردهاي داراي حس مشتركي مانند هستي‌شناسي[[90]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn90" \o ")، معرفت‌شناسي و نظرية متن[[91]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn91" \o ") به آن‌ها پرداخته شده است. نظام‌هاي كنترل‌شده براي انتخاب اطلاعات و واژگان‌ها، عموماً فراخواني جستجوگران[[92]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn92" \o ") براي پيش‌بيني چنين دانشي را كاهش مي‌دهند. بازيابي مدارك، مثلاً دربارة تصادفات قطار، از يك مجله يا پايگاه اطلاعاتي تخصصي دربارة پژوهش و پيشگيري از تصادف، در مقايسه با يك مجله يا پايگاه اطلاعاتي درهم‌ادغام‌شده،[[93]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn93" \o ") خيلي مشكل‌تر است. سازماندهي شناختي و اجتماعي دانش در رشته‌هاي علمي و نوشتارها فاصلة معناشناختي بين مدارك و جستجوگران (و پراكندگي ميان مدارك) را كاهش مي‌دهد و بازيابي اطلاعات را به ميزان زيادي تسهيل مي‌كند. مثلاً يك اصطلاحنامة خوب‌طراحي‌شده مي‌تواند اطلاعاتي را دربارة سازندگان علائم رانندگي در اختيار قرار دهد.

همان‌گونه كه در بالا اشاره شد، مسئلة اصلي در بازيابي اطلاعات، يك مدلسازي رواني مناسب از نوشتارهاي موضوعي است. مقوله‌ها و مفاهيمي كه ما دربارة آن‌ها صحبت مي‌كنيم چيستند؟

كاربران در تعامل با نوشتارهاي موضوعي، با چيزهاي ديگري نيز در تعامل هستندكه عبارت‌اند از:

ـ انواع مختلف زمينه‌هاي دانش با سازماندهي شناختي و اجتماعي متفاوت؛

ـ زبان‌هاي مختلف براي اهداف خاص[[94]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn94" \o ")؛

ـ انواع مختلف روش‌هاي پژوهش؛

ـ انواع مختلفي از منابع دست اول، دست دوم و دست سوم؛

ـ الگوهاي مختلفي از اقتدار شناختي[[95]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn95" \o ")؛

ـ فاصله‌هاي معناشناختي مختلف بين سؤال‌ها و مدارك[[96]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn96" \o ").

اصولاً همة اين مسائل داراي يك ساخت اجتماعي هستند كه منعكس‌كنندة عينيت پژوهش (يك واقعيت عيني) و همچنين هنجار رايج مؤثر بر جوامع علمي هستند. اساسي‌ترين و كلي‌ترين درك از اين مسائل بوسيلة نظريه‌هاي دانش يعني نظريه‌هاي معرفت‌شناختي امكان‌پذير است.

**انگاره‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي**

در تحليل حوزه‌اي، تمايل كمتري براي پرداختن به مدل‌هاي رواني داشته‌ايم و بيشتر به دانش، پيش‌قضاوت،[[97]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn97" \o ") نظريه‌ها، انگاره‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي پرداخته شده است. ما عمدتاً مشاهده مي‌كنيم كه فرد خاصي تحت تأثير نظريه‌ها، ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي و انگاره‌هاي مختلفي قرار گرفته كه اغلب به‌صورت ناخودآگاه‌اند يا توسط فرد، ناديده انگاشته مي‌شوند. انگاره‌ها، نظريه‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي را مي‌توان از طريق رويكردهاي فلسفي، تاريخي، جامعه‌شناختي، كتابسنجي و ديگر رويكردها مورد بررسي قرار دارد. «مجله انجمن اطلاع‌رساني و فناوري امريكا»[[98]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn98" \o ") موضوع خاصي با عنوان «تجسم انگاره‌هاي علمي»[[99]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn99" \o ") را مطرح كرده است. اصطلاح انگاره عمدتاًً به «كوهن»[[100]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn100" \o ") نسبت داده مي‌شود. اما «كوهن» رويكردهاي مختلف در علوم اجتماعي را به عنوان انگاره نپذيرفته است.

من اين اصطلاح را در مفهومي مشابه با آنچه جامعه‌شناس دانماركي «هين اندرسون»[[101]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn101" \o ") مدنظر داشته است، استفاده مي‌كنم:

«مفهوم انگاره و جايگاه آن در علوم اجتماعي به طور جامعي بحث شده است. من اين اصطلاح را آن‌گونه كه «ترنبوم»[[102]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn102" \o ") براي درك نظام‌هايي از فرضيات زيربنايي (آشكار يا تلويحي) و ايده‌آل‌هاي معرفتي[[103]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn103" \o ") در رشته‌هاي علمي مطرح كرده به كار مي‌گيرم. انگاره، يك ساختار فراشخصي از معاني است كه در جامعه‌گرايي رشته‌اي، تدريس و ارتباطات علمي شكل مي‌گيرد و بازتوليد مي‌شود.

من در انگاره‌ها بين عناصر زير تمايز قائل مي‌شوم: 1. ايده‌آل‌ها و عقايدي دربارة علم، مانند معيارها، شيوه‌ها و اهداف معرفتي در توليد و ارزيابي نتايج علمي در درون رشتة علمي؛ 2. فرضيات مربوط به ديدگاه نسبت به جهان، شامل فرضيات زيربنايي هستي‌شناختي اجتماعي دربارة بخشي از جهان كه در درون رشتة علمي مطالعه مي‌شود؛ 3. ايده‌آل‌هاي مربوط به اهميت فراعلمي دانش توليد‌شده در درون رشتة علمي، مانند اهميت آن براي فرهنگ و اجتماع، براي استفادة عملي و براي روشنگري.[[104]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn104" \o ")


نمودار شماره 1[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn1) در قالب يك نمونة تجربي، چگونگي توسعة رويكردها يا انگاره‌هاي مختلف در روانشناسي مدرن را از سال 1950 تا 1995 نشان مي‌دهد.

اين نمودار نشان مي‌دهد كه از حدود سال 1971 شناخت‌گرايي به عنوان انگارة حاكم در روانشناسي، جايگزين رفتارگرايي شده است (از اين‌رو، ادعاي من دربارة ماهيت تاريخي ساختارهاي شناختي را به طور مستند تأييد مي‌كند). اين نمودار همچنين وضعيت دانشكده‌هاي روان‌تحليل‌گري و عصب‌شناسي در روانشناسي را نشان مي‌دهد.

همة اين دانشكده‌ها با وجود دارا‌بودن ساختارهاي بسيار گوناگون و بزرگ، تحت تأثير بسياري از ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي قرار مي‌گيرند. البته شباهت‌ها و برخي همپوشاني‌هاي متقابل نيز با يكديگر دارند. از اين‌رو، فرد بايد در تنزل‌دادن يك دانشكدة روانشناختي به فقط يك نظرية معرفت‌شناختي، دقت كافي داشته باشد. با توجه به اين ملاحظات، مشخص شد كه روابط آشكاري بين انگاره‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي وجود دارد. رفتارگرايي رابطة نزديكي با تجربه‌گرايي كلاسيك[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn2) (و پوزيتيويسم منطقي) دارد، در صورتي‌كه شناخت‌گرايي به عقل‌گرايي كلاسيك[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn3) نزديك‌تر است. با آگاهي از اين‌گونه نظريه‌هاي معرفت‌شناختي، دانشمندان مي‌توانند الگوهاي بزرگ اثرگذاري تاريخي را تفسير كنند و همچنين مي‌توانند برخي از مزايا و معايب عمده را در موقعيت‌هاي مختلفي كه از طريق تاريخ علم آموخته شده، فرمول‌بندي كنند. مشخص‌كردن برخي از تأثيرات ضمني آن‌ها نيز امكان‌پذير است. اين نظريه‌هاي معرفت شناختي به درستي بهترين مدل‌هاي كلي‌نگري هستند كه ما در اختيار داريم و اهميت آن‌ها به ميزان گسترده‌اي تشخيص داده شده است. مثلاً مي‌توان مشاهده كرد كه بسياري از دانشمندان و متخصصان علوم اجتماعي به‌عنوان بخشي از دورة آموزشي‌شان، دوره‌هايي را دربارة فلسفة علم مي‌گذرانند. با اينكه انگاره‌ها و ديدگاه‌هاي معرفت‌شناسي در مقايسه با برخي زمينه‌هاي علمي (مانند شيمي و زيست‌شناسي) در زمينه‌هاي علمي ديگر (مانند علوم اجتماعي) بيشتر مشاهده مي‌شوند، اما فرضية من اين است كه آن‌ها در برخي سطوح هميشه قابل اعمال هستند و در اين سطوح است كه مي‌توان آن‌ها را به نيازهاي اطلاعاتي و معيارهاي ربط در عرض حوزه‌ها تعميم داد.

نظريه‌هاي معرفت‌شناختي اگر محدوديت‌هايي عمده‌اي نيز داشته باشند، به نظر من بهترين مدل‌هاي شناختي موجود هستند و جايگزين‌كردن نظريه‌هاي معرفت شناختي با نظريه‌هاي روانشناختي كه به يك ماهيت كلي اشاره دارند، مسئله‌انگيزتر خواهند بود. درواقع، رويكردهاي روانشناختي، به نظر من، علم اطلاع‌رساني را در يك دالان بي‌مقصد خيلي طولاني مي‌اندازند كه پيامدهاي جدي براي اين رشتة علمي خواهد داشت.

ما بايد توسعه‌هاي نظري نشان داده شده در نمودار شماره 1 را به عنوان توسعه‌هايي در مدل‌ها يا ساختارهاي شناختي روانشناسان جستجوكنندة اطلاعات و توليد‌كنندة دانش در اين دوره مدنظر قرار دهيم. البته اين‌گونه مدل‌ها شخصي هستند و ممكن است به تعداد افراد، مدل‌هاي رواني وجود داشته باشد. با وجود اين، چنانچه بخواهيم دانش كلي در علم اطلاع‌رساني را توسعه دهيم، نياز داريم چارچوب‌هاي كلي‌تري را تشكيل بدهيم. همانگونه كه قبلاً اشاره شد، به ادعاي من، نظريه‌هاي معرفت شناختي تعميم‌پذيرترين مدل‌هاي رواني را براي ما فراهم مي‌كنند.

برخي افراد، فرضيات خود را در قالب يك تز آشكار تعريف مي‌كنند. مثلاً در سال 1913 «جي. ‌بي.‌ واتسون» رفتارگرا، فرضيات رفتارگرايي خود را در يك مقالة برنامه‌ريزي‌شده فرمول‌بندي كرد.[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn4) تز زيربنايي وي اين بود كه روانشناسي يك علم طبيعي است كه رفتار قابل مشاهدة انسان‌ها و حيوانات را مطالعه مي‌كند.[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn5) ديدگاه «واتسون» قبل از اين در سال 1932 به شيوه‌هاي خيلي مهمي توسط «تولمن» رفتارگراي نوين اصلاح شد.[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn6) وي متغيرهاي مداخله‌گر و مطالعة موجوديت‌هاي غيرقابل مشاهده را تشريح كرد.[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn7)

با اين‌حال، اكثريت روانشناسان نه ديدگاه‌هاي خود را تشريح كرده‌اند و نه همآرايي خود را با ديدگاه‌هاي فرمول‌بندي‌شده ابراز نموده‌اند. «آر. اس. وودورث»[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn8)، به‌عنوان مؤثرترين روانشناس، از خود مي‌پرسد كه آيا او يك رفتارگرا است. پاسخ او اين بود كه نمي‌داند و بيشتر از اين هم برايش اهميتي ندارد.[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn9) تعريف، طبقه‌بندي، عنوان‌بندي، و ارزيابي فعاليت‌هاي مربوط به اين‌گونه دانشكده‌ها يا مدل‌هاي رواني، عمدتاً توسط تاريخ‌نويسان و فيلسوفان علم انجام مي‌شود. آن‌ها خبرگان واقعي در اين موضوع هستند.

واقعيت اين است كه بسياري از دانشمندان به ملاحظات معرفت‌شناختي تشريح‌شده توسط «كوهن»[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn10) توجه نشان نمي‌دهند. دانشمندان نيازي نمي‌بينند كه وقت‌شان را صرف اينگونه مسائل كنند، مگر اين‌كه با يك بحران درمسائل پژوهشي روبرو شوند. اين امر پيامدهاي مثبت و منفي براي علم اطلاع‌رساني به همراه دارد. جنبة منفي آن اين است كه تشريح اهمي‍ّت آن براي كاربران ممكن است مشكل باشد. جنبة مثبت آن اين است كه براي دانشمندان اطلاع‌رساني فرصتي فراهم مي‌كند تا جستجوي اطلاعات و بازيابي اطلاعات را به روش‌شناسي پژوهش و معرفت‌شناسي مرتبط كنند و نوع منحصربه‌فردتري از مهارت را توسعه دهند كه بتوان به كاربران آموزش داد.

مهم اين است كه اگرچه رويكردهاي معرفت‌شناختي ممكن است مشكل و مسئله‌دار به نظر برسند، اما ممكن است تنها راهي باشد كه پيش‌رو داريم. معرفت‌شناسي عبارت است از تفسير و تعميم تجارب جمعي خود دانشمندان.

**نيازهاي اطلاعاتي**

در ديدگاه شناختي، نيازهاي اطلاعاتي به‌عنوان چيزي درنظر گرفته مي‌شود كه در شخص توسعه پيدا‌ مي‌كند.[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn11) در ديدگاه تحليلي حوزه‌اي و اجتماعي‌ـ‌ شناختي، نيازهاي اطلاعاتي به‌وسيلة عوامل اجتماعي و فرهنگي به وجود مي‌آيند. نيازهاي اطلاعاتي ممكن است با نيازهاي آموزشي مقايسه شوند. هر دو نوع نياز اطلاعاتي براي چيرگي بر بعضي مسائل كه قبل از اين دانشي چند دربارة آن‌ها توليد شده، توسعه مي‌يابند. همان‌گونه كه دانشجويان اغلب قادر نيستند نيازهاي آموزشي‌شان را بيان كنند، كاربران نظام‌هاي اطلاعاتي نيز اغلب نمي‌توانند نيازهاي اطلاعاتي خودشان (يعني اينكه چه اطلاعاتي براي حل مسئلة مورد نظرشان مناسب هست) را مشخص نمايند. نياز اطلاعاتي با مفهوم ربط در ارتباط است. عبارت «N» يك نياز اطلاعاتي است، يعني اين كه «مدارك يا اطلاعات مرتبط با N بتواند پيدا شود» (چنانچه يك شخص يا سازمان خاص به اطلاعاتي نياز دارد كه هنوز توليد نشده، پس آن شخص يا سازمان بايد نياز به پژوهش يا توليد اطلاعات را مطرح كند). نمونة زير نشان مي‌دهد كه چگونه نيازهاي اطلاعاتي و معيارهاي ربط ممكن است از همديگر تشخيص داده نشوند:

«دانشجويي كه در حل يك مسئلة هندسي، با يك مستطيل قائم‌الزاويه درگير است، ممكن است ارتباط آن را با «قانون فيثاغورثي» تشخيص ندهد».[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn12)

نيازهاي اطلاعاتي به نوع مسائلي كه بايد حل شوند، ماهي‍ّت دانش موجود، و شايستگي استفاده‌كننده وابسته است. از آنجا كه بيشتر مسائل اطلاعاتي بسيار پيچيده هستند، نيازهاي اطلاعاتي نيز به وسيلة انگاره‌ها وتأثيرات نظري متعدد، به سمت اجتماعي‌‌شدن تمايل نشان مي‌دهند. اطلاعات مطالبه‌شده توسط كاربران، عبارت است از بيان نيازهاي اطلاعاتي ذهني‌شان كه ممكن است با نيازهاي عيني و واقعي آن‌ها متفاوت باشد.

مثلاً «باتسون»، «جكسون»، «هلي» و «ويكلند»[[13]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn13) نظريه‌اي را فرمول‌بندي كردند كه علت به‌وجودآمدن اسكيزوفرني را «ارتباط مضاعف»[[14]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn14) مادر و كودك مي‌دانست. اين نظريه با بيشتر نظريه‌هاي روان‌درماني كه علت اسكيزوفرني را عوامل شيميايي و فيزيولوژيكي مي‌دانستند، در تضاد بود. در اولين گام، انجام مطالعات خانواده براي پژوهش يا درمان اسكيزوفرني مورد نياز بود يا مناسب تشخيص داده شد. در دومين گام، انجام مطالعات داروشناختي مناسب تشخيص داده شد.

دو نظرية متفاوت دربارة يك مسئلة خاص، به نيازهاي اطلاعاتي و معيارهاي ربط متفاوت در عميق‌ترين سطح خود اشاره دارد. بنابراين، نياز اطلاعاتي به وسيلة ديدگاه‌هاي نظري متفاوت دربارة يك مسئلة خاص شكل مي‌گيرد كه توسط اشخاص در اجتماع توليد شده‌اند. در يك جامعة گفتاري فرضي، همواره ديدگاه‌هاي كم و بيش متناقضي دربارة آنچه مورد نياز يا مرتبط است، وجود دارد.

ديدگاه‌هاي غالب، معمولاً در طرح درس برنامه‌‌هاي آموزشي، اولويت برنامه‌‌هاي پژوهشي، اولويت‌‌هاي ويراستاري در مجلات علمي، انتخاب مجاري اطلاعاتي توسط استفاده‌كنندگان، معيارهاي انتخاب مجلات براي نمايه‌شدن در پايگاه‌هاي اطلاعاتي، و ... منعكس مي‌شوند. همان‌گونه كه انگاره‌ها شكل مي‌گيرند يا تغيير مي‌كنند، اين‌گونه اولويت‌ها نيز سروسامان مي‌يابند يا تغيير مي‌كنند. افرادي كه با ديدگاه غالب موافق نباشند، براي دستيابي به اطلاعات جايگزين و تلاش براي تغيير ديدگاه متداول بايد كار سختي را انجام دهند.

افراد ممكن است نيازهاي اطلاعاتي زيادي داشته باشند كه روابط بسيار پيچيده‌اي با يكديگر دارند. يك نياز دقيق‌تر وقتي بروز مي‌كند كه تصميم به نوشتن يك مقاله گرفته‌ايم. از اين زمان تا زماني‌كه مقاله چاپ مي‌شود، نويسنده به جستجوي اطلاعات مي‌پردازد، اطلاعات راگزينش مي‌كند و تصميماتي را دربارة مواردي كه در مقاله به آن‌ها استناد مي‌شود اتخاذ مي‌كند. وجود منابع و مآخذ در مقاله، فقط يك مرحله در توسعة نياز اطلاعاتي نويسنده را نشان مي‌دهد. با اين‌حال، وجود منابع و مآخذ در مقالة چاپ‌شده، آشكارترين، عمومي‌ترين، و دردسترس‌ترين نشانه‌اي است كه چگونگي ادراك و حل نيازهاي اطلاعاتي نويسنده را نشان مي‌دهد. فردي كه به مطالعه و تفسير مقالات مي‌پردازد، مي‌تواند افق‌هاي مفهومي نويسندگان را ارزيابي نمايد، آن‌ها را با يكديگر مقايسه كند، توسعة آن‌ها را بررسي نمايد و ميزان اثرگذاريشان را بسنجد. با اين‌حال، دانشمندان ممكن است براي تعيين نيازهاي اطلاعاتي‌شان از شيوه‌هاي ديگري غير از شيوه‌هاي رفتاري استفاده كنند؛ ام‍ّا نسبت به ايدة كلي سنجش يا تعيين نياز اطلاعاتي به شيوة موردنظر در رويكرد رفتاري، كاملاً بي‌ميل هستند. آنچه آنان به‌عنوان يك عرف انجام مي‌دهند، عبارت است از مطالعة ميزان اثرگذاري تاريخي و ميزان پذيرش آثار و نظريه‌هاي مختلف در كشورها، دوره‌ها و رشته‌هاي علمي مختلف و ديگر موقعيت‌هاي فرهنگي ـ اجتماعي.

اين شيوه يك نوع «تحليل ميزان پذيرش»[[15]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn15) است. از اين‌رو، دو رويكرد بسيار متفاوت كه مبتني بر ديد‌گاه‌هاي معرفت‌شناسي متفاوت هستند، وجود دارد (جدول شماره 1).

**جدول 1. نيازهاي اطّلاعاتي مطرح‌شده از دو ديدگاه معرفت‌شناختي**

|  |  |
| --- | --- |
| **«رويكرد علوم رفتاري» به نيازهاي اطلاعاتي (معرفت‌شناسي پوزيتيويستي)** | **«رويكرد علمي»**[[16]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn16" \o ")**به نيازهاي اطلاعاتي (معرفت‌شناسي هرمنوتيك)** |
| **مثلاً سعي مي‌شود نيازهاي اطلاعاتي بوسيلة مصاحبه يا الگوهاي كتابسنجي مورد سنجش قرار گيرند. الگوهاي كلي را در بين متغيرها جستجو مي‌كند.****فرضية تلويحي: يونيورساليسم**[[17]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn17" \o ") | **مطالعه و تفسير مقالات، مطالعة منابع و مآخذ آن‌ها و ميزان پذيرششان در نوشتارها، ارزيابي افق‌هاي مفهومي نويسندگان، مقايسة آن‌ها با يكديگر و مطالعة توسعة آن‌ها و چگونگي اثرگذاريشان، بررسي تاريخي.**[[18]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn18" \o ")**فرضية تلويحي: نسبيت‌گرايي فرهنگي و حوزه‌اي**[[19]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn19" \o ") |

ايده‌آل روش‌شناختي در عرف پوزيتيويستي، ميان‌ـ ذهنيتي[[20]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn20) است (كه قابل كپي‌برداري توسط ديگر پژوهشگران نيز هست). اين شيوه، به مفهومي مطالعة نيازهاي اطلاعاتي را عيني مي‌‌سازد. با اين حال، آنچه در اين شيوه مورد مطالعه قرار مي‌گيرد فقط بيان‌هايي ذهني از نيازهاي اطلاعاتي افراد است. در اينجا با يك مسئلة متناقض روبرو هستيم. رويكردهاي عيني و محكم پوزيتويستي فقط بيان‌هاي ذهني را آشكار مي‌نمايند؛ از اين‌رو، گرايشي قوي به ذهنيت‌گرايي و ايده‌آليسم ذهني را نشان مي‌دهند. از طرف ديگر، شيوه‌هاي تفسيري سست و ذهني از ماهيت هرمنوتيك ممكن است مباني ايدئولوژيكي بيان‌هاي ذهني نيازهاي اطلاعاتي را آشكار نمايد و در نهايت يك واقعيت عيني‌تر را منعكس كند. بدين‌طريق، معناي كلمه «عينيت» در ارتباط با شيوه‌هاي پژوهشي تغيير مي‌كند.

**ربط[[21]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn21" \o ")**

در علم اطلاع‌رساني، درك روانشناختي از ربط حاكم شده است. ربط اين‌گونه بررسي مي‌شود كه از كاربران پرسيده مي‌شود چه مداركي را مرتبط مي‌دانند، يا معيارهاي ربط از نظر آن‌ها چيست. ام‍ّا «كوهن»[[22]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn22) پيشنهاد مي‌كند كه ربط غيرمكالمه‌اي عبارت است از رابطة بين يك پيشنهاد درست و يك سؤال قابل پرسش. هنگامي‌كه شخص خاصي دليل پذيرش يك پيشنهاد را به شما مي‌گويد، معتبربودن دليل به موفقيت بحث وابسته نيست. دليل ممكن است معتبر باشد، هرچند شما در متقاعدكردن خودتان موفق نباشيد؛ يا ممكن است غيرمعتبر باشد، هر چند درواقع متقاعد شده باشيد. متقابلاً، شما بدون تشخيص مرتبط بودن يك پيشنهاد، ممكن است حقيقت را از آن پيشنهاد كه با پرسش شما مرتبط است دريابيد، يا ممكن است فكر كنيد كه مرتبط است، هر چند مرتبط نباشد. با توجه به اين مباحث، فقط مطالعة تجربي معيارهاي ربط كاربران كافي نيست، بلكه همان‌گونه كه توسط «كوهن» نشان داده شد، بايد قوانين خاص پوشش‌دهندة حوزه را مدنظر داشت.

دانشكده‌ها يا انگاره‌ها فرضيات فرا‌ـ نظريه‌اي[[23]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn23) و به همين نحو برخي فرضيه‌ها و معيارهاي كلي‌تر مربوط به ربط را به همراه دارند. بنابراين، معيارهاي ربط براي مثلاً رفتارگرايي، شناخت‌گرايي، روان‌تحليل‌گري و عصب‌شناسي خيلي متفاوت است، حتي زماني‌كه بر روي يك مسئلة مشابه (مثل اسكيزوفرني) كار مي‌كنند (جدول شماره 2).

**جدول 2. معيارهاي ربط ساده‌شده در چهار انگارة روانشناختي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **رفتارگرايي** | **شناخت‌گرايي** | **عصب‌شناسي** | **روان‌تحليل‌گري** |
| **مرتبط: اطلاعاتي دربارة پاسخ به انواع خاصي از محرك‌ها. نوع يا ارگانيسم از اهميت كمي برخوردار است (اولويت بسياري به داده‌هاي كنترل‌شدة درون‌ذهني داده مي‌شود)****غيرمرتبط: داده‌هاي درون‌نگر، داده‌هايي كه به مفاهيم،تجارب يا معاني رواني محرك‌ها توجه دارد (اطلاعات مربوط به فرآيندهاي مغز).** | **مرتبط:اطلاعات مربوط به مكانيسم‌ها و پردازش اطلاعات‌ رواني، قياس‌هاي بين‌فرآيندهاي روانشناختي‌و رايانه‌اي،و ...** | **مرتبط: اطلاعات مربوط به فرآيندها يا ساختارهاي مغز در شكل‌هايي از رفتار يا تجربه** | **مرتبط: اطلاعاتي دربارة رؤياها، نمادها، تداعي‌هاي رواني، معاني شخصي مربوط به محرك‌ها، و...؛ داده‌هاي گردآوري‌شده در جلسه‌هاي درماني توسط درمانگران آموزش‌ديده‌اي كه مي‌توانند داده‌ها را تفسير كنند (بنابراين اولويت پايين‌تري به اطلاعات كنترل‌شدة درون‌ذهني داده مي‌شود)** |

همان‌گونه كه در جدول زير نشان داده ‌مي‌شود، اين رويكردها، مجلات تخصصي خاص خود، و گرايش خيلي قوي به استفاده (و استناد) به اطلاعات مربوط به ديدگاه‌ها و مجلات خودشان را دارند. «روبين»، «گوسلينگ» و «كريك» مجلات هستة زير را در هر يك از اين چهار رويكرد شناسايي كردند (جدول شماره 3).

**جدول 3. مجلات هستة مربوط به چهار انگارة روانشناختي[[24]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn24" \o ")**

|  |  |
| --- | --- |
| **- Journal of Experimental Analysis of Behavior 1958****- Behaviour Research and Therapy 1963****- Journal of Applied Behaviour Analysis 1968****- Behaviour Therapy 1970** | **مجلات هستة رفتارگرايي** |
| **- Cognitive Psychology 1970****- Cognition 1972****- Memory and Cognition 1973****- Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition 1975** | **مجلات هستة شناخت‌گرايي** |
| **- Journal of Neurophysiology 1938****- Annual Review of Neuroscience 1978****- Trends in Neuroscience 1978****- Journal of Neuroscience 1981** | **مجلات هستة عصب‌شناسي** |
| **- International Journal of Psychoanalysis, 1920****- Psychoanalysis Quarterly 1932****- Journal of the American Psychoanalysis Association 1953****- Contemporary Psychoanalysis 1964** | **مجلات هستة روان‌تحليل‌گري** |

من هر گروه از اين مجلات را در «نماية استنادي علوم اجتماعي»[[25]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn25) انتخاب، و آن‌ها را با كلمة «اسكيزوفرني» تركيب كردم. سپس مجموعة نتايج برمبناي بيشترين استناد به آن‌ها رتبه‌بندي شدند. اين مجموعه نتايج به «سال انتشار 1999» نيز محدود شد تا هزينه‌هاي رايانه‌اي[[26]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn26) محدود شود (مجموعة نتايج جستجو در پيوست شمارة 1 مشاهده مي‌شود). برمبناي اين پروفايل جستجو، من جدول‌هاي زير را توليد كردم تا در هر رويكرد، رتبه‌بندي منابع اطلاعاتي داراي بيشترين استناد را نشان بدهم (جدول‌هاي شمارة 4 تا 7).

**بحث و بررسي**

الگوي كلي استناد در سال 1999 كه در ستون‌هاي سمت راست جداول نشان داده شده، واضح‌ترين نشانه از گرايش رويكردهاي مختلف به استفاده از اطلاعاتي است كه ديدگاه زيربنايي مشابهي دارند. از شش منبعي كه در بين مجلات هستة رفتارگرايي بالاترين رتبة استناد را به خود اختصاص داده‌اند، چهار منبع همان مجلات هستة رفتارگرايي هستند و هيچ يك از آن‌ها از رويكردهاي ديگر نيستند. از هفت منبعي كه در بين مجلات هستة شناخت‌گرايي بالاترين رتبة استناد را به خود اختصاص داده‌اند، چهار منبع همان مجلات هستة شناخت‌گرايي هستند و هيچ يك از آن‌ها از رويكردهاي ديگر نيستند. از هفده منبعي كه در بين مجلات هستة عصب‌شناسي بالاترين رتبة استناد را به خود اختصاص داده‌اند، چهار منبع همان مجلات هستة عصب‌‌شناسي هستند و بقية آن‌ها از ديگر مجلات عصب‌شناسي هستند يا به مجلات علمي كلي بسيار مشهور مانند Science, Nature مربوط مي‌شوند. از پنج منبعي كه در بين مجلات هستة روان‌تحليل‌گري بالاترين رتبة استناد را به خود اختصاص داده‌اند، چهار منبع همان مجلات هستة عصب‌شناسي هستند. منبعي هم كه رتبة اول استناد را به خود اختصاص داده، «Sigmund Freud's Standard Edition» است كه آشكارا يك منبع روان‌تحليل‌گري مي‌باشد.

**جدول 4. منابع داراي بيشترين استناد در مجلات هستة رفتارگرايي**

|  |  |
| --- | --- |
| **دربارة «اسكيزوفرني»** | **محدود به سال 1999** |
| **نتايج رتبه‌بندي شدة جستجو در «DIALOG» رتبه‌بندي= جستجوي شماره 24 پيوست 1 در 1 تا 52 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (فيلدهاي رتبه‌بندي در 52 پيشينه با 328 واژه يافت شد).** | **نتايج رتبه‌بندي شدة جستجو در «DIALOG» رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 28 پيوست 1 در 1 تا 278 در فيلد «CW» در فايل 7 (فيلدهاي رتبه‌بندي در 275 پيشينه با 1778 واژه انجام شد)** |
| **اصطلاح رتبه‌بندي‌شده به درصد** | **اقلام به‌درصد** | **فراواني** | **رتبه** | **اصطلاح‌رتبه‌بندي شده به درصد** | **اقلام به‌درصد** | **فراواني** | **رتبه** |
| **AM J PSYCHIAT** | **2/19** | **10** | **1** | **BEHAV RES THER** | **2/34** | **94** | **1** |
| **ARCH GEN PSYCHIAT** | **2/19** | **10** | **2** | **J CONSULT CLIN PSYCH** | **1/29** | **80** | **2** |
| **SCHIZOPHRENIA B** | **3/17** | **9** | **3** | **J EXP ANAL BEHAV** | **2/26** | **72** | **3** |
| **BRIT J PSYCHIAT** | **4/15** | **8** | **4** | **PSYCHOL BULL** | **2/26** | **72** | **4** |
| **SCHIZOPHRENIA BULL** | **4/15** | **8** | **5** | **JAPPLBEHAV ANAL** | **6/23** | **65** | **5** |
| **DIAGN STAT MAN MENT** | **5/13** | **7** | **6** | **BEHAV THER** | **3/23** | **64** | **6** |
| **J ABNORM PSYCHOL** | **5/13** | **7** | **7** | **J ABNORM PSYCHOL** | **8/21** | **60** | **7** |
| **J NERV MENT DIS** | **5/13** | **7** | **8** | **ARCH GEN PSYCHIAT** | **4/20** | **56** | **8** |
| **J CONSULT CLIN PSYCH** | **6/9** | **5** | **9** | **DIAGN STAT MAN MENT** | **9/18** | **52** | **9** |
| **PSYCHOL BULL** | **6/9** | **5** | **10** | **CLIN PSYCHOL REV** | **5/18** | **51** | **10** |
| **CLIN PSYCHOL REV** | **7/7** | **4** | **11** | **J EXPT ANAL BEHAVIOR [=3]** | **2/18** | **50** | **11** |
| **HOSP COMMUNITY PSYCH** | **7/7** | **4** | **12** | **PSYCHOL REV** | **5/17** | **48** | **12** |
| **PSYCHIAT RES** | **7/7** | **4** | **13** | **AM J PSYCHIAT** | **1/17** | **47** | **13** |
| **SCHIZOPHR RES** | **7/7** | **4** | **14** | **AM PSYCHOL** | **2/14** | **39** | **14** |
| **SOCIAL SKILLS TRAINI** | **7/7** | **4** | **15** | **BRIT J PSYCHIAT** | **5/13** | **37** | **15** |
| **AM PSYCHOL** | **8/5** | **3** | **16** | **J ANXIETY DISORD** | **5/13** | **37** | **16** |
| **J APPL BEHAV ANAL** | **8/5** | **3** | **17** | **J EXP PSYCHOL ANIM B** | **7/12** | **35** | **17** |
| **BEHAV THE** | **8/5** | **3** | **18** | **J EXPT ANAL BEHAV [=3]** | **12** | **33** | **18** |
| **BIOL PSYCHIAT** | **8/5** | **3** | **19** | **J PERS SOC PSYCHOL** | **3/11** | **31** | **19** |
| **BRIT J SOC CLIN PSYC** | **8/5** | **3** | **20** | **ANIM LEARN BEHAV** | **5/10** | **29** | **20** |
| **BEHAV RES THER** | **8/5** | **3** | **21** | **COGNITIVE THER RES** | **5/10** | **29** | **21** |
| **J CLIN PSYCHOPHARM** | **8/5** | **3** | **22** | **BEHAV MODIF** | **7/8** | **24** | **22** |
| **J PSYCHIAT RES** | **8/5** | **3** | **23** | **J BEHAV THER EXP PSY** | **7/8** | **24** | **23** |
| **PSYCHIATRY** | **8/5** | **3** | **24** | **J EXPT PSYCHOL ANIMA** | **4/8** | **23** | **24** |
| **PSYCHOL MED** | **8/5** | **3** | **25** | **BRIT J CLIN PSYCHOL** | **6/7** | **21** | **25** |
| **SCALE ASSESSMENT NEG** | **8/5** | **3** | **26** | **LEARN MOTIV** | **6/7** | **21** | **26** |
| **SCHIZOPHRENIA** | **8/5** | **3** | **27** | **RES DEV DISABIL** | **6/7** | **21** | **27** |
| **SCIENCE** | **8/5** | **3** | **28** | **SCIENCE** | **9/6** | **19** | **28** |
| **SOC PSYCH PSYCH EPID** | **8/5** | **3** | **29** | **PSYCHOL REC** | **5/6** | **18** | **29** |
| **ACTA PSYCHIAT SCAND** | **8/3** | **3** | **30** | **PSYCHOL REP** | **5/6** | **18** | **30** |

**جدول 5. منابع داراي بيشترين استناد در مجلات هستة شناخت‌گرايي**

|  |  |
| --- | --- |
| **دربارة «اسكيزوفرني»** | **محدود به سال 1999** |
| **رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 25 پيوست 1 در 1 تا 2 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (ربته‌بندي فيلدها در 2 پيشينه با 70 واژه انجام شد).** | **نتايج رتبه‌بندي شدة جستجو در «DIALOG» رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 29 پيوست 1 در 1 تا 278 پيشينه درفيلد «CW» در فايل 7 (رتبه‌بندي فيلدها در 275 پيشينه با 2405 واژه انجام شد).** |
| **اصطلاح رتبه‌بندي‌شده به درصد** | **اقلام****به درصد** | **فراواني** | **رتبه** | **اصطلاح‌رتبه‌بندي شده به درصد** | **اقلام****به درصد** | **فراواني** | **رتبه** |
| **BRAIN** | **100** | **2** | **1** | **PSYCHOL REV** | **6/71** | **197** | **1** |
| **NEURO PSYCHOLOGIA** | **100** | **2** | **2** | **J EXP PSYCHOL LEARN** | **3/71** | **196** | **2** |
| **PSYCHIAT RES** | **100** | **2** | **3** | **MEM COGNITION** | **4/68** | **188** | **3** |
| **PSYCHOL MED** | **100** | **2** | **4** | **COGNITIVE PSYCHOL** | **2/54** | **149** | **4** |
| **SCHIZOPHR RES** | **100** | **2** | **5** | **J EXP PSYCHOL GEN** | **5/46** | **128** | **5** |
| **SCHIZOPHENIA BULL** | **100** | **2** | **6** | **J MEM LANG** | **5/46** | **128** | **6** |
| **ACT PSYCHIAT SCAND** | **50** | **1** | **7** | **COGNITION** | **9/42** | **118** | **7** |
| **AGNECY ITS ROLEMENT** | **50** | **1** | **8** | **J EXPT PSYCHOL HUMAN** | **5/38** | **106** | **8** |
| **AM J PSYCHIAT** | **50** | **1** | **9** | **J EXPT PSYCHOL LEARN** | **8/37** | **104** | **9** |
| **AM PSYCHOL** | **50** | **1** | **10** | **J VERB LEARN VERB BE** | **5/37** | **103** | **10** |
| **ARCH GEN PSYCHIAT** | **50** | **1** | **11** | **J EXP PSYCHOL** | **32** | **88** | **11** |
| **AUTISM EXPLANING EN** | **50** | **1** | **12** | **PSYCHOL BULL** | **8/29** | **82** | **12** |
| **BEHAVIORAL BRAIN SCI** | **50** | **1** | **13** | **J EXP PSYCHOL HUMAN** | **28** | **77** | **13** |
| **BIOL PSYCHIAT** | **50** | **1** | **14** | **PSYCHOL SCI** | **6/27** | **76** | **14** |
| **BRIT J CLIN PSYCHOL** | **50** | **1** | **15** | **SCIENCE** | **3/27** | **75** | **15** |
| **BRIT J DEV PSYCHOL** | **50** | **1** | **16** | **Q J PSYCHOL** | **5/26** | **73** | **16** |
| **BRIT J PSYCHIAT** | **50** | **1** | **17** | **PSYCHON B REV** | **2/26** | **72** | **17** |
| **BRIT J PSYCHOL** | **50** | **1** | **18** | **PERCEPT PSYCHOPHYS** | **1/25** | **69** | **18** |
| **CHILD DEV** | **50** | **1** | **19** | **PSYCHOL LEARN MOTIV** | **8/21** | **60** | **19** |
| **CHILDRENS THEORIES M** | **50** | **1** | **20** | **J EXPT PSYCHOL GENER** | **20** | **55** | **20** |
| **CHILDS THEORY MIND** | **50** | **1** | **21** | **ATTENTION PERFORM** | **5/17** | **48** | **21** |
| **COGNITION** | **50** | **1** | **22** | **AM J PSYCHOL** | **1/17** | **47** | **22** |
| **COGNITIVE DEV** | **50** | **1** | **23** | **CHILD DEV** | **1/17** | **47** | **23** |
| **COGNITIVE NEUROPSYCH** | **50** | **1** | **24** | **BRIT J PSYCHOL** | **7/16** | **46** | **24** |
| **COGNITIVE PSYCHOL** | **50** | **1** | **25** | **NATURE** | **7/16** | **46** | **25** |
|  |  |  |  | **B PSYCHONOMIC SOC** | **3/15** | **42** | **26** |
|  |  |  |  | **ACTA PSYCHOL** | **5/14** | **40** | **27** |
|  |  |  |  | **CONGNITIVE SCI** | **5/14** | **40** | **28** |
|  |  |  |  | **CAN J PSYCHOL** | **8/13** | **38** | **29** |
|  |  |  |  | **AM PSYCHOL** | **5/13** | **37** | **30** |

**جدول 6. منابع داراي بيشترين استناد در مجلات هستة عصب‌شناسي**

|  |  |
| --- | --- |
| **دربارة «اسكيزوفرني»** | **محدود به سال 1999** |
| **رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 26 پيوست 1 در 1 تا 41 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (رتبه‌بندي فيلدها در 40 پيشينه با 292 واژه انجام شد).** | **رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 30 پيوست 1 در 1 تا 42 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (رتبه‌بندي فيلدها در 40 پيشينيه با 646 واژه انجام شد).** |
| **اصطلاح رتبه‌بندي‌شده به درصد** | **اقلام****به درصد** | **فراواني** | **رتبه** | **اصطلاح‌رتبه‌بندي شده به درصد** | **اقلام****به درصد** | **فراواني** | **رتبه** |
| **LANCET** | **40** | **16** | **1** | **NEUROSCI** | **7/85** | **36** | **1** |
| **TRENDS NEUROSCI** | **40** | **16** | **2** | **SCIENCE** | **4/71** | **30** | **2** |
| **ARCH GEN PSYCHIAT** | **5/37** | **15** | **3** | **NATURE** | **7/66** | **28** | **3** |
| **BRIT J PSYCHIAT** | **5/37** | **15** | **4** | **P NATL ACAD SCI USA** | **5/59** | **25** | **4** |
| **SCIENCE** | **5/37** | **15** | **5** | **BRAIN RES** | **1/57** | **24** | **5** |
| **AM J PSYCHIAT** | **5/32** | **13** | **6** | **J NEUROPHY SIOL** | **8/54** | **23** | **6** |
| **NATURE** | **30** | **12** | **7** | **EXP BRAIN RES** | **4/52** | **22** | **7** |
| **BIOL PSYCHIAT** | **5/25** | **9** | **8** | **BEHAV NEUROSCI** | **5/40** | **17** | **8** |
| **DEMENTIA PRAECOX GRO** | **20** | **8** | **9** | **BEHAV BRAIN RES** | **7/35** | **15** | **9** |
| **LIFE SCI** | **5/17** | **7** | **10** | **NEUROREPORT** | **7/35** | **15** | **10** |
| **ARCH GEN PSYCHIATRY** | **15** | **6** | **11** | **NEURON** | **3/33** | **14** | **11** |
| **J NERV MENT DIS** | **15** | **6** | **12** | **SOC NEUR ABSTR** | **3/33** | **14** | **12** |
| **PSYCHOPHARMACOLOGY** | **15** | **6** | **13** | **CURR OPIN NEUROBIOL** | **6/28** | **12** | **13** |
| **BRIT MED J** | **5/12** | **5** | **14** | **J COGNITIVE NEUROSCI** | **6/28** | **12** | **14** |
| **P NATL ACAD SCI USA** | **5/12** | **5** | **15** | **J COMP NEUROL** | **6/28** | **12** | **15** |
| **PSYCHOL MED** | **5/12** | **5** | **16** | **TRENDS NEUROSCI** | **6/28** | **12** | **16** |
| **TRANSMISSION SCHIZOP** | **5/12** | **5** | **17** | **ANNU REV NEUROSCI** | **2/26** | **11** | **17** |
| **ACT PSYCHIAT SCAND** | **10** | **4** | **18** | **BRAIN** | **2/26** | **11** | **18** |
| **BRAIN RES** | **10** | **4** | **19** | **CEREB CORTEX** | **2/26** | **11** | **19** |
| **J NEURAL TRANSM** | **10** | **4** | **20** | **NEUROPSYCHOLOGIA** | **2/26** | **11** | **20** |
| **J PSYCHIAT RES** | **10** | **4** | **21** | **PSYCHOL BULL** | **2/26** | **11** | **21** |
| **PSYCHOL BULL** | **10** | **4** | **22** | **PSYCHOL REV** | **2/26** | **11** | **22** |
| **PSYCHOPHARMACOLOGIA** | **10** | **4** | **23** | **NEUROSCIENCE** | **8/23** | **10** | **23** |
| **SCHIZOPHR B** | **10** | **4** | **24** | **J COMP PHSYOL PSYCH** | **4/21** | **9** | **24** |
| **SCHIZOPHRENIA B SCHIZOPHRENIA BULL** | **10** | **4** | **25** | **J EXP PSYCHOL HUMAN** | **4/21** | **9** | **25** |
| **AM J MED GENET** | **10** | **4** | **26** | **NEUROLOGY** | **4/21** | **9** | **26** |
| **ANN NEUROL** | **5/7** | **3** | **27** | **NEUROSCI LETT** | **4/21** | **9** | **27** |
| **BRAIN** | **5/7** | **3** | **28** | **ANNU REV PSYCHOL** | **19** | **8** | **28** |
| **DEMENTIA** | **5/7** | **3** | **29** | **J PHYSIOL LONDON** | **19** | **8** | **29** |
| **PRAECOX PAR** | **5/7** | **3** | **30** | **PSYCHOL NEUROBIOL LEARN MEM** | **19** | **8** | **30** |
| **DIAGNOSTIC STATISTIC** | **5/7** | **3** | **31** | **CELL** | **7/16** | **7** | **31** |
| **EUR ARCH PSY NEUR SC** | **5/7** | **3** | **32** | **J MOTOR BEHAV** | **7/16** | **7** | **32** |

**جدول 7. منابع داراي بيشترين استناد در مجلات هستة روان‌تحليل‌گري**

|  |  |
| --- | --- |
| **دربارة «اسكيزوفرني»** | **محدود به سال 1999** |
| **نتايج رتبه‌بندي شدة جستجو در «DIALOG» رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 27 پيوست 1 در 1 تا 36 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (رتبه‌بندي فيلدها در 36 پيشينه با 361 واژه انجام شد).** | **رتبه‌بندي= جستجوي شمارة 31 پيوست 1 در 1 تا 278 پيشينه در فيلد «CW» در فايل 7 (رتبه‌بندي فيلدها در 251 پيشينه با 2004 واژه انجام شد)** |
| **اصطلاح رتبه‌بندي‌شده به درصد** | **اقلام به****درصد** | **فراواني** | **رتبه** | **اصطلاح‌رتبه‌بندي شده به درصد** | **اقلام به****درصد** | **فراواني** | **رتبه** |
| **INT PSYCHOANAL** | **39** | **98** | **1** | **STANDARD EDITION** | **7/41** | **15** | **1** |
| **PSYCHOANAL STUDY CHI** | **2/38** | **96** | **2** | **INT J PSYCHOANAL** | **3/33** | **12** | **2** |
| **J AM PSYCHOANAL ASS** | **7/28** | **72** | **3** | **J AM PSYCHOANAL ASS** | **6/30** | **11** | **3** |
| **STANDARD EDITION** | **1/23** | **58** | **4** | **PSYCHOANAL QUART** | **8/27** | **10** | **4** |
| **PSYCHOTHERAPY SCHIZO.** | **7/14** | **37** | **5** | **CONTEMP PSYCHOANAL** | **25** | **9** | **5** |
| **SE (Standard Edition.Sigmund Freud)** | **6/11** | **29** | **6** | **PSYCHOANALYTIC DIALO** | **25** | **9** | **6** |
| **COLLECTED PAPERS SCH** | **8/8** | **22** | **7** | **PSYCHOANAL INQ** | **4/19** | **7** | **7** |
| **AM J PSYCHIAT** | **7/16** | **6** | **8** |  |  |  |  |
| **PSYCHOANALYTIC CONCE** | **6/7** | **19** | **9** | **PSYCHOANAL INQ** | **7/16** | **6** | **9** |
| **PSYCHOANALYTIC STUDY** | **8/6** | **17** | **10** | **INT REV PSYCHO ANAL** | **7/16** | **6** | **10** |
| **ARCH GEN PSYCHIAT** | **8/6** | **17** | **11** | **PSYCHOANALYTIC STUDY** | **9/13** | **5** | **11** |
| **DEMENTIA PRAECOX GRO** | **4/6** | **16** | **12** | **PSYCHOANAL DIALOGUES** | **9/13** | **5** | **12** |
| **ESSAYS EGO PSYCHOLOG** | **4/6** | **16** | **13** | **PSYCHOANALYTIC Q** | **9/13** | **5** | **13** |
| **J NERV MENT DIS** | **6** | **15** | **14** | **INT REV PSYCHOANALYS** | **9/13** | **5** | **14** |
| **OBJECT RELATIONS THE** | **6/5** | **14** | **15** | **INT REV PSYCHOANAL** | **9/13** | **5** | **15** |
| **PSYCHOTHERAPY PSYCHO** | **6/5** | **14** | **16** | **LEARNING EXPERIENCE** | **9/13** | **5** | **16** |
| **SCHZOPEHRENIA NEED F** | **6/5** | **14** | **17** | **PSYCHOANAL PSYCHOL** | **9/13** | **5** | **17** |
| **SCHZOPEHRENIC DISORD** | **2/5** | **13** | **18** | **PLAYING REALITY** | **9/13** | **5** | **18** |
| **INT J PSYCHOANAL** | **8/4** | **12** | **19** | **INTERPERSONAL WORLD** | **1/11** | **4** | **19** |
| **LEARNING EXPERIENCE** | **8/4** | **12** | **20** | **PSYCHOANAL REV** | **1/11** | **4** | **20** |
| **PSYCHIATRY** | **4/4** | **11** | **21** | **AM J PSYCHIAT** | **1/11** | **4** | **21** |
| **PSYCHOANALYTIC READE** | **4/4** | **11** | **22** | **COMPLETE LETT S FREU** | **1/11** | **4** | **22** |
| **PSYCHOTIC CONFLICT R** | **4/4** | **11** | **23** | **MIND CONFLICT** | **1/11** | **4** | **23** |
| **SCHZOPEHRENIA BULL** | **4/4** | **11** | **24** | **PAPERS PSYCHOANALYSI** | **1/11** | **4** | **24** |
| **SCHZOPEHRENIA FAMILY** | **4/4** | **11** | **25** | **PSYCHOANALYTIC THEOR** | **1/11** | **4** | **25** |
| **SCHZOPEHRENIA TREATM** | **4** | **10** | **26** | **ANALYSIS SELF** | **1/11** | **4** | **26** |
| **TREATMENT SCHIZOPHRE** | **4** | **10** | **27** | **TRANSFERENCE COUNTER** | **1/11** | **4** | **27** |
| **ARCH GEN PSYCHIATRY** | **6/3** | **9** | **28** | **AM J PSYCHOANAL** | **3/8** | **3** | **28** |
| **CHRONIC SCHIZOPHRENI** | **6/3** | **9** | **29** | **AM PSYCHOL** | **3/8** | **3** | **29** |
| **EGO PSYCHOLOGY PROBL** | **6/3** | **9** | **30** | **B MENNINGER CLIN** | **3/8** | **3** | **30** |

اگر جستجويمان را مثلاً به «اسكيزوفرني» محدود كنيم، نمونه‌ها بسيار كوچكتر مي‌گردند و تاحدي از آشكار‌بودن نحوة توزيع كاسته مي‌شود؛ اما باز هم تز مورد نظر ما را تصديق مي‌كند. مجلات هستة رفتارگرايي بيشترين استناد را به منابعي مانند مجلات عمومي در روان‌پزشكي، مجلات عمومي در روانشناسي و مجلات خاصي كه به پژوهش‌هاي اسكيزوفرني مي‌پردازند، داشته‌اند. با اين‌حال، هنوز هم از مجموعة مجلات هستة رفتارگرايي، به سه مجله بيشتر از مجلاتي استناد شده است كه در رويكردهاي ديگر، مجلة هسته هستند. در مجموع، مجلات شناختي فقط دو مورد دربارة اسكيزوفرني بود، از اين‌رو داده‌ها قابل تفسير نبود (درواقع بيشترين منابع مورد استناد، عصب‌شناختي بودند). درمجموع مجلات عصب‌شناختي، مجلات عصب‌شناختي ديگر همراه با مجلات علمي عمومي، روانپزشكي عمومي، روانشناختي عمومي و اسكيزوفرني عمومي بيشترين منابع مورد استناد هستند. در روان‌تحليل‌گري، تمركز بسيار زيادي بر روي منابع خاص روان‌تحليل‌گري است و خود نشان‌دهندة اين است كه ميزان اجماع و تمركز بر منابع اطلاعاتي از يك رويكرد به رويكرد ديگر متفاوت است. همچنين برخي رويكردها نسبت به رويكردهاي ديگر با مجلات «عمومي» ارتباط بيشتري دارند و خود نشان‌دهندة اين است كه برخي رويكردها در مقايسه با ديگر رويكردها از درجة تأثير بالاتري برخوردارند و جزء جريان غالب‌تر به حساب مي‌آيند. در مورد روان‌تحليل‌گري به نظر مي‌رسد كه درجة پاييني از يكپارچگي بين منابع اطلاعات علمي عمومي، روانپزشكي يا روانشناختي وجود دارد. اين امر مي‌تواند به عنوان گرايش به سمت انزواگرايي يا عدم ارتباط با پژوهش‌هاي غالب درنظر گرفته شود. با اين‌حال، آنچه بايد در نظر داشته باشيم اين است كه هيچ سكوي خنثي وجود ندارد كه از طريق آن بتوان موقعيت‌هاي متفاوت را ارزيابي نمود.

جريان غالب فكري تمايل دارد كه به عنوان علمي، عيني، مثمرثمر و درست‌ترين رويكرد مطرح شود، كه البته مي‌تواند تغيير پيدا كند. تصميم‌گيري دربارة سؤالات علمي هرگز نبايد با رأي‌گيري‌هاي عقيده‌اي انجام شود، بلكه بايد با مدنظر قراردادن دقيق مباحث انجام گيرد. اين‌كه پژوهشگران منتقد، مثلاً ساختارگراهاي اجتماعي،[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn1) گاهي اوقات مي‌توانند از مباحث محكم پرده بردارند كه چرا يك ديدگاه معين، با وجود داشتن يك مبناي علمي مسئله‌دار، بطور برجسته‌اي مطرح شده[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn2)، خود نمونه‌اي است از يك نقد بسيار مطلوب از روانشناسي جريان غالب.

نتايج به‌دست‌آمده آشكارا نشان مي‌دهند كه اگر ما رفتارگرايي، شناخت‌گرايي، عصب‌شناسي و روان‌تحليل‌گري را به‌عنوان رويكردهاي مختلف در روانشناسي درنظر بگيريم و اگر بپذيريم كه مجلات مشخص‌شده توسط «روبينز»، «گوسلينگ» و «كريك» (1999) منابع اطلاعاتي هسته در هريك از اين ديدگاه‌ها هستند، پس اين ديدگاه‌ها به‌طور جدي استفاده از منابع اطلاعاتي و آن چيزي كه در كتابداري و اطلاع‌رساني «نياز اطلاعاتي» و «ربط» ناميده مي‌شود را تعيين مي‌كنند. شايد براي بيشتر خوانندگان اين مطلب يك امر نسبتاً عادي به نظر آيد، اما در ارتباط با نظريه يا روش‌هاي مطالعة نيازهاي اطلاعاتي و ربط، اين مطلب ثابت مي‌كند كه يك رويكرد معرفت‌شناختي ضروري است و اين‌گونه مدل‌هاي رواني، توليدات تاريخي، فرهنگي و اجتماعي هستند. اين ديدگاه در مقايسه با «ديدگاه شناختي» سنتي تقريباً يك انقلاب را در علم اطلاع‌رساني به‌وجود آورده است.

بالاترين سطح تعميم معيارهاي ربط به‌وسيلة نظريه‌هاي معرفت‌شناختي فراهم مي‌شود (كه كم و بيش رويكردهاي رشته‌هاي علمي خاص را تحت تأثير قرار مي‌دهند) (جدول شمارة 8).

**جدول 8. معيارهاي ربط ساده شده در چهار دانشكدة معرفت‌شناختي**

|  |  |
| --- | --- |
| **اصالت تجربه** | **مرتبط: مشاهدات و داده‌هاي حسي. قياس از مجموعة داده‌هاي مشاهده‌اي. داده‌هاي كنترل شدة «بين ذهني».**[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")**نامرتبط: تحقيقات نظري و دانش منتقل شده از بزرگان. «دانش كتاب‌ها»**[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ")**(ماهيت خواندن نه كتاب‌ها). داده‌هاي مربوط به فرضيات و پيش‌قضاوت‌هاي مشاهده‌كنندگان** |
| **اصالت عقل** | **مرتبط: فكر خالص، منطق، مدلهاي رياضي، مدلسازي رايانه‌اي، اصول بديهي، تعاريف و برهان‌ها.****«اولويت كم‍ّي» به داده‌هاي تجربي داده مي‌شود، چون اين‌گونه داده‌ها بايد برطبق اصولي كه از تجربه گرفته نشده‌اند، نظم‌دهي شود.** |
| **اصالت تاريخ** | **مرتبط: دانش زمينه‌اي مربوط به پيش‌قضاوت‌ها، نظريه‌ها، مفاهيم، قراين، توسعه‌هاي تاريخي و چشم‌اندازهاي تكاملي.****«اولويت كم‍ّي» به داده‌هاي «غيرقرايني»**[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn5)**داده مي‌شود، چون معاني را نمي‌توان تفسير كرد. داده‌هاي كنترل شدة «بين ذهني» اغلب غيرعلمي فرض مي‌شود.** |
| **اصالت عمل** | **مرتبط: اطلاعاتي دربارة اهداف و ارزشها و همچنين پيامدهاي درگير با پژوهشگران و شيء مورد پژوهش (آزمودني و شيء).****«اولويت كمي» (يا ترديد بي‌پرده) به اطلاعات بي‌طرفانه يا آزاد ارزشي مورد ادعا داده مي‌شود. براي مثال، «معرفت‌شناسي فمينيستي» در بي‌طرفي اطلاعات توليد شده در يك جامعة مردسالار ترديد دارد.** |

معيارهاي تلويحي ربط در رويكردهاي مختلف نه فقط يك پژوهشگر خاص، بلكه سازماندهي نظام اطلاعات علمي و همة فرآيندهايي را كه در اين نظام انجام مي‌شود تحت تأثير قرار مي‌دهند. اين مورد عميقاً به قلب نظام راه پيدا مي‌كند. طرح و نقش مقالة علمي و تك‌نگاشت علمي، هنجارهاي معرفت‌شناختي مختلف ـ مانند آنچه توسط «بازرمن»[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn6) نشان داده شدـ را منعكس مي‌كند. از اين‌رو، نظريه‌هاي معرفت‌شناختي ممكن است قادر باشند تبييني را براي ساخت نظام‌هاي اطلاعاتي علمي و همچنين نظام‌هاي غيرعلمي ارائه كنند. به استثناي «فوسكت»[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn7) و «سوانسون»[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn8)، اين چشم‌انداز فلسفي در مورد ربط تقريباً در علم اطلاع‌رساني ناديده انگاشته شده است.[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn9)

با اين‌حال، ممكن است اين سؤال مطرح شود كه آيا نتايج به‌دست‌آمده مختص روانشناسي است، يا در مورد علوم اجتماعي يا زمينه‌هاي علمي كمتررشديافته نيز صادق است. بديهي است كه شناسايي رويكردها يا انگاره‌هاي مختلف در زيست‌شناسي يا شيمي بسيار مشكل‌تر است. پاسخ من اين است كه اگرچه تعيين ربط و نيازهاي اطلاعاتي همواره با مسائل نظري مواجه بوده، اما برخي زمينه‌هاي علمي ممكن است درجة بالايي از اجماع را دربارة نظريات و يافته‌هاي زيربنايي داشته باشند. تعيين درجة اجماع در يك زمينة علمي، يك مسئلة روانشناختي و شناختي نيست، بلكه يك مسئلة نسبتاً فلسفي است.

درجة موافقت با ربط يك منبع اطلاعاتي فرضي در بين افراد، بايد در بين افراد واجد صلاحيت در زمينه‌هاي علمي (كه مدارك، نقش تعريف‌شده‌اي را در ارتباط با فعاليت‌هاي انساني مبتني بر يك نظرية خوب‌تعريف‌شده ايفا مي‌كنند) بالاتر باشد. برعكس، درجة موافقت با ربط بايد در جوامع و فعاليت‌هايي كه در آن‌ها، نظريه‌ها و مدارك، مبهم و گوناگون هستند، پايين‌تر باشد.

**نتيجه‌گيري**

مسئلة اصلي در علم اطلاع‌رساني اين است كه افراد به منظور سازماندهي و جستجو و همچنين برآوردن نيازهاي اطلاعاتي، منابع را چگونه تفسير مي‌كنند. برخي افراد ممكن است اين مورد را «چشم‌اندازشناختي» نام‌گذاري كنند. اما اين‌گونه نظريات تفسيري، نظريات شخصي و غيرتاريخي[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn10) نيستند، بلكه ديدگاه‌هاي معرفت‌شناختي و ايده‌هايي هستند كه بطور تاريخي، فرهنگي، اجتماعي و علمي توسعه يافته‌اند. «ديدگاه شناختي» گرايش به روانشناسي‌كردن مسائل معرفت‌شناختي (يعني مطالعة دانش از طريق مطالعة افراد) دارد، اما آنچه كه موردنياز است، «ديدگاه اجتماعي‌ـ شناختي» است كه گرايش به معرفت‌شناختي‌كردن مسائل روانشناختي (يعني مشاهدة دانش افراد در يك چشم‌انداز تاريخي، فرهنگي و اجتماعي) دارد.

هيچ ديدگاه معرفت‌شناسي يا نظرية تفسيري نمي‌تواند جايگزين دانش موضوعي مثلاً مربوط به نمايه‌سازي منابع شود. با اين‌حال، دانش معرفت‌شناختي يك زيربناي ميان‌رشته‌اي براي نظريات كلي مربوط به سازماندهي دانش، بازيابي اطلاعات، و ديگر مسائل زيربنايي در علم اطلاع‌رساني فراهم مي‌كند. اين مورد ممكن است تنها زيربناي كلي باشد كه امكان تشكيل آن وجود دارد.

اگر اين تحليل صحيح باشد، مطالعات معرفت‌شناسي و علمي مهمترين زمينة مربوط به علم اطلاع‌رساني به حساب مي‌آيند.

من به اين سؤال پاسخ گفته‌ام: چه مقوله‌ها و مفاهيمي بطور زيربنايي در بازيابي اطلاعات نقش ايفا مي‌كنند. بنابر پاسخ من، آن‌ها عبارت‌اند از نظريه‌ها و مفاهيم معرفت‌شناختي. با توسعه و تعريف موشكافانة آن‌ها، مي‌توان معيارهاي دقيقي براي سازماندهي دانش، بازيابي اطلاعات، و طراحي نظام‌هاي اطلاعاتي تدوين كرد. چنانچه اين شيوه يك كار سخت از آب دربيايد، نبايد نااميد شد، مگر اين‌كه ديگر شيوه‌هاي پيش‌روي بتوانند انجام يك كار بهتر را به اثبات برسانند.

**منابع**

Andersen, H. (1999). "Political attitudes and cognitive convictions among Danish social science researchers". **Scientometrics**. 46(I), 87-108.

Bateson, G., Jackson. D.D., Haley. J., & Weakland, J.H. (1963). "A note on the double bind: 1962". **Family Process**, 2(1), 154-161.

Bazerman, C. (1988). **Shaping written knowledge; The genre and activity of the experimental article in science**. Madison. W1: University of Wisconsin Press. [Also available .as pdf file on the Internet:

<http://aw.colostate.edu/books/hazerman_shaping/main.html>

Bhargava, R. (1998). "Holism and individualism in history and social science". **Routledge Encyclopedia of Philosophy (version 1.0)**. London: Routledge.

Bogdan, R.J. (1994). **Grounds for cognition. How goal-guided behavior shapes the mind**. Hillsdale. NJ: Lawrence Earlbaum Associates.

Brooks, T.A: (1995). "Topical subject expertise and the semantic distance model of relevance assessment". **Journal of Documentation**. 51(4), 370-387.

Capurro, R. (1985). **Epistemology and information science**. Lecture given at the Royal Institute of Technology Library Stockholm. Sweden. REPORT TRITA-LIB-6023. Also available on

<http://www.capurro.de/trita.htm#III>. Hermeneutics and Information. (Visited August 1, 2001).

Cohen, J. (1994), "Some steps towards a general theory of relevance". **Synthese**. 101, 171-185.

Cooke, N.J. (1994). "varieties of knowledge elicitation techniques". **International Journal of Human-Computer Studies**. 41(6), 801- 849.

Danziger, K. (1990) **Constructing the subject. Historical origins of psychological research**. Cambridge: CambridgeUniversity Press.

Danziger, K. (1997). **Naming the mind, How psychology found its language**. London: Sage.

Foskett, D.J. ( 1972); "A note on the concept of relevance". **Information Storage and Retrieval**. 8, 77-78

de May, M. (1977). "The cognitive viewpoint: Its development and its scope". **CC 77: International Workshop on the Cognitive Viewpoint**. Gent. Gent University. Pp, xiv-xxxii (.Quotation pp, xiv-xvii).

Frohmann, B. (1990), "Rules of indexing: A critique of mentalism in information retrieval theory". **Journal of Documentation**. 46(2), 81-101.

Gärdenfors, P. (1999). Cognitive science: From computers to anthills as models of human thought. **Human IT**, 3(2).

<http://www.hb.se/bhs/ith/2-99/pg.htm>.

Gardner, H. (1985). **The mind’s new science: A history of the cognitive revolution**. New York: Basic Books.

Hjørland, B. (1991). **Det kognitive paradigme i biblioteks—Og informations videnskaben** [The cognitive paradigm in Library and Information Science]. Biblioteksarbejde. 33, 5-37.

Hjørland, B. (l993a). **Emnerepræsentation informationssøgning. Bidrag til en teori pa kundskabsteoretisk grundlag**. [Subject representation and information seeking. Contributions based on theory of knowledge] Göteborg: Valfrid.

Hjørland, B. (l993b). "Toward a new horizon in information science (I.S.): Domain-analysis". Oral presentation given at ASIS 56’s Annual Meeting in Columbus. Ohio. October 25, 1993. Available as sound-casette F248-4. (Abstracts published on page 290 in :**ASIS ’93. Proceedings of the 56th ASIS Annual Meeting**, 1993, Vol. 30. Medford, NJ: Americal Society for Information Science & Learned Information, Inc(.

Hjørland, B. (1997). **Information seeking and subject representation. An activity-theoretical approach to information science**. Westport, CT: Greenwood Press.

Hjørland, B. (1998b). "The classification of psychology: A case study in the classification of a knowledge field". **Knowledge Organization**. 24(4), 162-201.

Hjørland, B. (2000a). "Relevance research: Themissing perspectives: Nonrelevance” and “epistemological relevance”". **Journal of the American Society for Information Science**. 51(2), 209-211.

Hjørland, B. (2000b). "Review of Wallerstein (1996)". **Open the social sciences, report of the Gulbenkian Commission on the Restructuring of the Social Sciences**. Stanford, CA: Stanford University Press. I: Knowledge Organization. 27(4), 238-241.

Hjørland, B. (2002). "Domain analysis in information science: Eleven approaches". Paper submitted to **Journal of Documentation** October 2001.

Hjørland, B., & Albrechtsen, H. (1995). "Toward a new horizon in information science: Domain analysis". **Journal of the American Society for Information Science**. 46(6), 400-425.

Jacob, E.K., & Shaw, D. (1998). "Socio-cognitive perspectiveson representation". In M.E. Williams (Ed.), **Annual Review of Information Science and Technology** (vol. 33, pp. 131-185). Medford, NJ: Information Today for American Society for Information Science.

Karpatschof, B. (2000). **Human activity. Contributionsto the anthropological sciences from a perspective of activity theory**. Copenhagen: Dansk Psykologisk Forlag. ISBN: 87 7706 311 2.

Kuhn, T.S. (1962, 1970). **The structure of scientific revolutions**. Chicago. IL: University of Chicago Press.

Lakemeyer, G. (1997). "Relevance from an epistemic perspective". **Artificial Intelligence**. 97, 37-167.

Lindsay, P.H., & Norman, D.A. (1977). **Human information processing. An introduction to psychology (2nd ed.)**. San Diego: Harcourt Brace Jovanovich.

Lykke Nielsen, M. (2000a). "Domain analysis, an important part of thesaurus construction". ASIS SIG Classification Research Workshop. Classification for User Support and Learning Sheraton Chicago Hotel & Towers Chicago. IL Sunday. Nov. 12, 2000. pdf-file:

<http://uma.infoscience.uiowa.edu/sigcr/papers/sigcro00lykke.pdf> (Visited 2001-09-18).

Lykke Nielsen, M. (2000b). "Domain analysis, an important part of thesaurus construction". ASIS SIG Classification Research Workshop. Classification for User Support and LearningSheraton Chicago Hotel & Towers Chicago, IL Sunday. Nov. 12. 2000, Powerpoint presentation

<http://bx.db.dk/mln/powerpoint/domain.ppt> (Visited 2001-09-18).

Neighbors, J.M. (1980). "Software construction using components". **Technical Report** 160, Department of Information and Computer Sciences. University of California, Irvine.

Norman, D., & Rumelhard, D. (1975). **Explorations in cognition**. San Francisco: Freeman.

Ørom, A. (2000). "Information science, historical changes and social aspects: A Nordic outlook". **Journal of Documentation**. 56(1), 12-26.

Pao, M.L. (1993). "Term and citation retrieval: A field study". **Information Processing and Management**. 29(1), 95-112.

Pao, M.L., & Worthen, D.B. (1989). "Retrieval effectiveness by semantic and pragmatic relevance". **Journal of the American Society for Information Science**. 40(4), 226-235.

Robins, R.W; Gosling, S.D., & Craik, K.H. (1999). "An empirical analysis of trends in psychology". **American Psychologist**. 54(2), 117-128.

Segal,G. (1998). "Methodological individualism". **Routledge encyclopedia cIop of of philosophy** (version 1.0). London: Routledge.

Swanson, D.R (1986). "Subjective versus objective relevance in bibliographic retrieval systems". **Library Quarterly** .56(4), 389-398.

Taylor, R.S. (1968). "Question-negotiation and information seeking in libraries". **College and Research Libraries**. 29, 178-194.

Timpka, T. (l995). "Situated clinical cognition". **Artificial Intelligence in Medicine**. 7, 387-394.

Tolman, E.C. (1932). **Purposive behavior in animals andmen** .New York: The Century Co.

Törnebohm, H. (1974). **Paradigm i vetenskapernas värld och i vetenskapsteorin**. Göteborg. Sweden: University of Göteborg.

Tuominen, K. (2001). **Tiedon muodostus ja virtuaalikirjaston rakentaminen: Konstruktionistinen analysis (with an English summary)**. Acta Electronica Universitatis Tamperensis 113. ISBN 95-44-5112-0. ISSN 145-594X. <http://acta.uta.fi/english/teos.phtml> 5179.

Wagner, P., & Wittrock, B. (1991). States, institutions and discourses: A comparative perspective on the structuration of the social sciences. In P.

Wagner, B. Wittrock., & R. Whitley (Eds.). **Discourses on society. The shaping of the social science disciplines** (pp. 331-355). Dordrecht: Kluwer Academic Publisher.

Waston, J.B. (1913). "Psychology as the behaviorist views it". **Psychological Reviw**. 20, 158-177.

Winograd, T., & Flores, F. (1986). **Understanding computers and cognition. A new foundation for design**. Reading, MA: Addison-Wesley Publishing Comp.

Woodworth, R.S. (1939). **Psychological issues: Selected papersof Robert S. Woodworth**. New York: Columbia University Press.

**پيوست 1. راهبردهاي جستجوي استفاده شده براي رتبه‌بندي منابع داراي بيشترين استناد در چهار انگارة روانشناختي (رفتارگرايي، شناخت‌گرايي، عصب‌شناسي و روان‌تحليل‌گري) (مجلات عصب‌شناسي بطور جامع‌تري تحت پوشش «Science Citation Index» قرار دارند. به همين‌دليل، فقط در «Social Science Citation Index» جستجو انجام شده است).**[**[1]**](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftn1)

|  |
| --- |
| فايل 7: «Social Scisearch (R)» سال 2001ـ1972 |
| **شمارةجستجو** | **تعدادپيشينة بازيابي‌شده** | **راهبرد جستجو** |
| S1 | **2094** | JN= JOURNAL OF THE EXPERIMENTAL ANALYSIS OF BEHAVI |
| S2 | **1808** | JN= JOURNAL OF APPLIED BEHAVIOR ANALYSIS |
| S3 | **4107** | JN= BEHAVIOUR RESEARCH AND THERAPY |
| S5 | **2099** | JN= BEHAVIOR THERAPY |
| S6 | **561** | JN= COGNITIVE PSYCHOLOGY |
| S7 | **1094** | JN= COGNITION |
| S8 | **2276** | JN= MEMORY & COGNITION |
| S9 | **1624** | JN= JOURNAL OF EXPERIMENTAL PSYCHOLOGY-LEARNING ME |
| S10 | **957** | JN= JOURNAL OF NEUROPHYSIOLOGY |
| S11 | **1499** | JN= JOURNAL OF NEUROSCIENCE |
| S12 | **50** | JN= ANNUAL REVIEW OF NEUROSCIENCE |
| S13 | **492** | JN= TRENDS IN NEUROSCIENCES |
| S14 | **2463** | JN= INTERNATIONAL JOURNAL OFPSYCHO-ANNALYSIS |
| S15 | **267** | JN= INTERNATIONAL JOURNAL OF PSYCHOANNALYSIS |
| S16 | **2197** | JN= PSYCHOANNALYTIC QUARTERLY |
| S17 | **2342** | JN= JOURNAL OF THE AMERICAN PSYCHOLOANAYTIC ASSOCIA |
| S18 | **1318** | JN= CONTEMPORARY PSYCHOANALYSIS |
| S19 | **10108** | S1 OR S2 OR S3 OR S5 |
| S20 | **5555** | S6 OR S7 OR S8 OR S9 |
| S21 | **2998** | S10 OR S11 OR S12 OR S13 |
| S22 | **8587** | S14 OR S15 OR S16 OR S17 OR S18 |
| S23 | **18827** | SCHIZOPHRENIA?/TI |
| S24 | **52** | S19 AND S23= [Schizophrenia/ti and behavioristic journals] |
| S25 | **2** | S20AND S23= [Schizophrenia/ti and cognitivistic journals] |
| S26 | **41** | S21 AND S23= [Schizophrenia/ti and neuroscientific journals] |
| S27 | **39** | S22 AND S23= [Schizophrenia/ti and psychoanalytic journals] |
| S28 | **302** | S19 AND PY=1999 [Behavioral journals 1999] |
| S29 | **278** | S20 AND PY=1999 [Cognitive journals 1999] |
| S30 | **42** | S21 AND PY=1999 [Neuroscientific journals in SSCI 1999] |
| S31 | **419** | S27 AND PY=1999 [Psychoanalytic journals in 1999] |

1. در متن اصلي جستجوي شمارة 4 وجود نداشته است. از جستجوي شمارة 19 به بعد از عملگرهاي «or» و «and» براي تركيب جستجوهاي انجام شده قبلي (S1, S2, S3, …) استفاده شده است. جستجوي شمارة 23 به واژة «اسكيزوفرني» در فيلد عنوان (TI)، و جستجوهاي شمارة 28 تا 31 به سال 1999 محدود شده است (مترجم).

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref1" \o ") . Social Constructionists

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref2" \o ") . Danziger, 1990, 1997.

[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref3" \o ") . Intersubjectively controlled data

[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref4" \o ") . Book Knowledge

[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref5" \o ") . decontextualized data

[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref6" \o ") . Bazerman, 1988.

[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref7" \o ") . Foskett, 1972.

[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref8" \o ") . Swanson, 1986.

[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref9" \o ") . Hiørland, 2000a.

[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref10" \o ") . ahistorical

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref1) . Source: Robins, Gosling & Craik, 1999, p.122.

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref2) . Classical Empiricism

[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref3) . Classical Rationalism

[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref4) . Watson, 1913.

[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref5) . Stimuli and Responses. (S-R) Psychology

[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref6) .Tolman, 1932.

[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref7) . S-O-R Psychology

[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref8) . Woodworth, 1939.

[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref9) . Danziger, 1997, p. 159.

[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref10) . Kuhn, 1962. 1970.

[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref11" \o ") . e.g. Talyor, 1968.

[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref12" \o ") . Lakemeyer. 1997, p. 138.

[[13]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref13" \o ") . Bateson, Jackson, Haley and Weakland, 1963.

[[14]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref14" \o ") . Double-binding

[[15]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref15" \o ") . Reception Analysis

[[16]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref16" \o ") . Scholarly Approach

[[17]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref17" \o ") . Universalism

[[18]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref18" \o ") . Historizing

[[19]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref19" \o ") . Cultural and domain relativism

[[20]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref20" \o ") . Intersubjectivity

[[21]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref21" \o ") . Relevance

[[22]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref22" \o ") . Kohn, 1994.

[[23]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref23" \o ") . Meta-Theoretical

[[24]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref24" \o ") . Source: Robins, Gosling & Craik, 1999.

[[25]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref25" \o ") . SSCI

[[26]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref26" \o ") . Computer Expenses

[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref1) . Cognitive Sciences

[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref2) . Cognitive Revolution

[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref3) . Gardner, 1985.

[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref4) . Gärdenfors, 1999.

[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref5) . Timpka, 1995

[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref6) . Mead, 1934.

[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref7) . Timpka, 1995, pp. 388-389.

[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref8) . Perceptual or Symbolic

[[9]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref9) . de may, 1977, pp. xiv-xvii.

[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref10) . Zeitgeist

[[11]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref11) . Peter Ingwerson

[[12]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref12) . Lindsay and Norman, 1977.

[[13]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref13) . Methodological individualism

2. دربارة فردگرايي روش‌شناختي، براي نمونه مي‌توانيد به Bhargava (1998) و (1998)Segal مراجعه كنيد.

[[15]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref15) . Rationalism

[[16]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref16) . Implicit rationalistic assumptions

[[17]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref17) . Hjørland, 1991, 1993a.

[[18]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref18) . Domain-analytic approach

2. ارائة اصلي ديدگاه «تحليلي ـ حوزه‌اي» به‌زبان انگليسي در « Hjørland and Albrechtsen, (1995) آورده شده است.

[[20]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref20) . Discourse Communities

[[21]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref21) . Bounded

[[22]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref22) . Institutional enclosure

[[23]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref23) .Governance of discourse For an Activity Theory

[[24]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref24) . Wagner & Wittrock, 1991.

[[25]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref25) . John Dewey

[[26]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default#_ftnref26) .L.S. Vygotsky

[[27]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref27" \o ") .A. N. Leontiev

[[28]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref28" \o ") .Karpatschof, 2000.

[[29]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref29" \o ") .Shaw & Jacob, 1998.

[[30]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref30" \o ") .Rafael Capurro, 1985.

[[31]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref31" \o ") . Winograd and Flores, 1986.

[[32]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref32" \o ") . Social Constructionism

[[33]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref33" \o ") . Frohmann, 1990.

[[34]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref34" \o ") . Tuominen, 2001.

[[35]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref35" \o ") . Discourse

[[36]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref36" \o ") . Pramaticturn

[[37]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref37" \o ") . Turing Machines

[[38]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref38" \o ") . Pragmatics

[[39]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref39" \o ") . Semantics

[[40]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref40" \o ") . Conventionalized Pragmatics

[[41]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref41" \o ") . Syntax

[[42]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref42" \o ") . Bogdan, 1994, p. 183.

[[43]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref43" \o ") . Adaptation

[[44]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref44" \o ") . News Leher Biblioteksskolenyt

[[45]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref45" \o ") . 2001, #1, p.5.

[[46]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref46" \o ") . Hjørland, 1993a, 1997.

[[47]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref47" \o ") . Worthen, 1989.

[[48]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref48" \o ") . Pao, 1993.

[[49]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref49" \o ") . Hjørland, 1997.

[[50]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref50" \o ") .Ørom, 2000.

[[51]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref51" \o ") .Socio-congnifivists.

[[52]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref52" \o ") . Lykke Nielsen, 2000a , 2000b.

[[53]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref53" \o ") . American Society of information Science.

[[54]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref54" \o ") . Nielsen, 2000b, p.4.

[[55]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref55" \o ") . Nielsen, 2000a, p.1.

[[56]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref56" \o ") . Soergel

[[57]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref57" \o ") . Hjørland, 1993b.

[[58]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref58" \o ") . Hjørland and Albrectsen, 1995.

[[59]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref59" \o ") . Neighbors, 1980.

[[60]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref60" \o ") . Nielsen, 2000a; 2000b.

[[61]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref61" \o ") . Rationalistic Methods

[[62]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref62" \o ") . Empirical Methods

[[63]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref63" \o ") . Co-Citation Analysis

[[64]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref64" \o ") . Historical Methods

[[65]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref65" \o ") . Pragmatic Methods

[[66]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref66" \o ") . Hjørland, 1998b.

[[67]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref67" \o ") . Nielsen, 2000a.

[[68]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref68" \o ") . Word association tests.

[[69]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref69" \o ") . Foreign Fields

[[70]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref70" \o ") . Nielsen, 2000a.

[[71]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref71" \o ") . Knowledge elicitation

[[72]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref72" \o ") . Cooke, 1994.

[[73]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref73" \o ") . Meta-Knowledge

[[74]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref74" \o ") . Decisive Word

[[75]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref75" \o ") . Deision Support Systems

[[76]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref76" \o ") . Gärdenfors, 1999.

[[77]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref77" \o ") . Nielsen, 2000a.

[[78]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref78" \o ") . Nielsen, 2000a.

[[79]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref79" \o ") . Hjørland, 2002.

[[80]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref80" \o ") . Producing literature Guides

[[81]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref81" \o ") . Document and Genre Studies

[[82]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref82" \o ") . Nielsen, 2000a.

[[83]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref83" \o ") . Dialog

[[84]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref84" \o ") . Representations of the Subject Literature

[[85]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref85" \o ") . Creative Expressiveness

[[86]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref86" \o ") . Real Knowledge

[[87]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref87" \o ") . Iterative Searching

[[88]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref88" \o ") . Legal Language

[[89]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref89" \o ") . Knowledg about Document Composition

[[90]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref90" \o ") . ontology

[[91]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref91" \o ") . Text Theory

[[92]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref92" \o ") . Searchers Load

[[93]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref93" \o ") . Merged Journal or Database

[[94]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref94" \o ") . LSP

[[95]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref95" \o ") . Cognitive Authority

[[96]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref96" \o ") . Brooks, 1995.

[[97]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref97" \o ") . Preunderstanding

[[98]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref98" \o ") . Journal of the American Society for Information Science and Technology, JASIST

[[99]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref99" \o ") . Visualization of Scientific Paradigms

[[100]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref100" \o ") . Kuhn, 1962, 1970.

[[101]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref101" \o ") . Heine Anderson

[[102]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref102" \o ") . Tjörnebohm, 1974.

[[103]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref103" \o ") . Epistemic Ideals

[[104]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftnref104" \o ") . Enlightenment